



نیمه شعبان، ولادت باسعادت  
یگانه منجی عالم بشریت،  
مهدی موعود،  
بر جامعه شریف کارگران و  
بازنشستگان تبریک  
و تهنیت باد

# اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



سال چهاردهم  
شماره ۱۶۵  
بهمن ۱۴۰۳

سال چهاردهم | شماره ۱۶۵ | بهمن ۱۴۰۳

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

## مصطفی سالاری:

# هر چه گفتید؛ درست و دقیق بود، ولی حرفهای دقیق دیگری هم هست که باید در تکمیل این حرفهای بحق گفته شود

صفحه ۵

اگر کارگاه حالش خوب نباشد  
کارگر هم حالش خوب نیست  
در این صورت تامین اجتماعی  
هم حالش خوب نیست

صفحه ۶

جلب اعتماد با قدمهای  
کوچک يك هنر است!  
امروز چی می خوای بخری؟

صفحه ۷

با حذف یارانه دارو دهک های  
فرودست را زمینگیر نکنید  
و درمان آنها را به مخاطره  
نیندازید

در صفحه ۵۴

محمد اسدی: آقای دکتر سالاری شما واقعا سدی را شکستی که فقط با دستان شما می توانست بشکند



حسن صادقی:

جناب دکتر سالاری شما با شناخت مشکلات مجددا وارد این عرصه شدید!

صفحه ۲

دکتر حیدری:  
دولت بدهکار بین نسلی

صفحه ۳

این کار رو  
ننه جون اونم هم بلده !!!

صفحه ۴

هر چه گفتید درست و  
دقیق بود!

سید مجتبی قریشیان

به قلم سردبیر

نگاه اول

### کوچه علی چپ کجاست؟!



وقتیکه یک نفر بشدت وبه طرز غیر قابل باوری غیر منطقی میشود واقعیتهای و حقایق را منکر میشود، حتی از پذیرفتن بدیهات اولیه عقلی سر باز می زند و بصورت علنی روز روشن را شب نشان میدهد. در این صورت به او گفته میشود که خود را به کوچه علی چپ زن یعنی تظاهر به نشیندن و نفهمیدن نکن. چرا بعضی ها خودشان را به این کوچه میزنند. این کوچه کجاست؟! و چطور جائیه؟ و ساکنین آن چطور آدمهایی هستند؟! این کوچه در شهر هرت قرار دارد. همانطوریکه در سرمقاله شماره قبلی، نشریه اشاره ای

به ویژگیهای شهر هرت شد. در این شهر قاعده و ضابطه ای برای اداره شهر وجود ندارد، وقتیکه شهر به مدل شهر هرت اداره شود وجود کوچه علی چپ در آن شهر دور از انتظار نیست. در واقع از یک منظر دیگر هم می توان به موضوع نگاه کرد. این ساکنین کوچه علی چپ هستند که سبب پیداشدن مدیرانی میشوند که شهر را به سبک شهر هرت اداره می کنند. ساکنین این کوچه درک درستی از ارتباط منطقی و عقلایی با همدیگر ندارند، علی رغم اینکه آنها با هم همسایه هستند و در یک کوچه زندگی میکنند و از نظر بعد مسافتی فاصله ای باهم ندارند ولی از نظر شناخت یکدیگر و نزدیک بودن دلها گویی سالها باهم فاصله دارند، آنها در حالیکه دست در جیب همدیگر دارند مشغول خالی کردن جیب های یکدیگرند، در حین ارتکاب این عمل، از خلاف و قبیح بودن آن سخن به میان می آورند و آنرا مرتب شمامت میکنند، آنها اصلا قادر نیستند که باهم گفتگو کنند، ندانسته و نخواسته همدیگر را قضاوت و متهم میکنند و این باعث میشود که هر روز از یکدیگر بیشتر فاصله بگیرند و چیزهایی را که از نظر منطقی مشکل محسوب نمیشود، آنرا تبدیل به یک مشکل جدی کنند. لازم به ذکر است که برخی از افراد عامدانه و عالمانه خود را به کوچه علی چپ می زنند اینگونه افراد را شما می توانید در طیف سیاسیون و مدیران کشور فراوان پیدا کنید، چون منافعی را اینطور اقتضای میکنند ولی آنها هم سخت در اشتباه هستند زیرا با اندکی تحمل و تعقل در میابیم که در میان مدت و دراز مدت آنها هم منضر میشوند. بپذیریم که فقط در یک محیط سالم و با ایجاد یک ارتباط معقول و منطقی، طرفین میتوانند درک درستی از منافع یکدیگر داشته باشند و با یک گفتگوی دوستانه میتوان بر بسیاری از مشکلات فائق آمد. رویا اصلا مانع بروز خیلی از مشکلات شد. نباید تحت هیچ شرایطی یک اصل اساسی و بسیار مهم را، از یاد ببریم، که اگر خود را به کوچه علی چپ بزنیم و بجای حل مشکل صورت مسئله پاک کنیم مطمئن باشیم که مشکل با شدت بیشتر و با وضع بغرنج تری بروز کرده و گریبان ما را خواهد گرفت و حل آن بسیار دشوارتر و پرهزینه تر خواهد شد. به ویژه اگر این مشکل جنبه عمومی و اجتماعی داشته باشد پس بیایم تا می توانیم نه خودمان وارد کوچه علی چپ شویم و نه اجازه دهیم دیگران خصوصا سیاسون وارد این کوچه شوند. کوچه علی چپ یک آدرس کاملا اشتباه و غلط است.

### آقای پزشکيان؛ الوعده وفا! سخن مدير مسئول

رئيس اتحاديه پیشکسوتان جامعه کارگری و معاون دبیرکل خانه کارگر در یادداشتی خطاب به مسعود پزشکيان، از وی خواست تا به وظیفه دولت در مورد بدهی به سازمان تامین اجتماعی اقدام کند.

حسن صادقی (رئيس اتحاديه پیشکسوتان جامعه کارگری) در یادداشتی خطاب به رئيس جمهور مسعود پزشکيان، به انتقاد از تعلل دولت در رسیدگی به وضعیت بدهی های خود نسبت به سازمان تامین اجتماعی پرداخت. متن این یادداشت را در ادامه می خوانید:

رئيس جمهور منتخب چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در برنامه های خود و در مناظرات و در سخنرانی های معرفی وزرای خود بارها اعلام کردند که هیچ برنامه ای جز سیاست های کلی نظام و برنامه هفتم توسعه ندارند و وزرای ایشان نیز همین خط را در جلسات رأی اعتماد خود دنبال کردند و انتظار این است که دولت محترم به قول ها و وعده های خود عمل کند.

در بند ۴ سیاست های کلی تأمین اجتماعی، مقام رهبری صراحتاً دولت را مکلف نموده اند که از «ایجاد و انباشت بدهی های دولت به سازمان ها و صندوق های بیمه گر اجتماعی جلوگیری نماید» و در قانون برنامه هفتم پیشرفت (توسعه) هم در پنج حکم مشخص و معین، دولت مکلف گردیده است که بدهی های خود را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازد و بر همین اساس باید گفت: جناب آقای پزشکيان؛ الوعده وفا!

ما بر اساس همین وعده ها و با توجه به اینکه رئيس جمهور محترم گردن خود را گرو وعده های خود گذاشتند، انتظار داشتیم که دولت چهاردهم بلافاصله پس از استقرار، سریعاً نسبت به پرداخت ۱۰۰ هزار میلیارد تومان باقیمانده از حکم قانونی مندرج در قانون بودجه سال ۱۴۰۳ به سازمان تأمین اجتماعی اقدام نماید. چرا که ۳۰ هزار میلیارد تومان از مبلغ مزبور در دولت قبلی تأدیبه شده بود.

آقای پزشکيان! ما جامعه کارگری شاغل و بازنشستگان تأمین اجتماعی وفای به عهد شما را باور داریم و فکر می کنیم برخی از افراد در زیرمجموعه دولت شما نمی خواهند بگذارند که شما به وعده های خود جامه عمل بپوشانید و بایستی خودتان مستقیماً موضوع را از وزارت اقتصاد و دارایی و سازمان برنامه و بودجه پیگیری و دستور تسریع صادر فرمایید.

برای ما که در انتخابات برای پیروزی شما خود را به آب و آتش زدیم خوب نیست که بینیم تیم دولت قبلی در ماه های اول سال، ۳۰ هزار میلیارد تومان از بدهی دولت را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازند، ولی در طی ماه های بعد و در حالی که در ماه های پایانی سال قرار داریم برخی از مسئولین دولت شما مانع تأدیبه باقی مبلغ مزبور شوند و خدمات رسانی به نیمی از جمعیت کشور یعنی بیمه شدگان و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی را در معرض مخاطره قرار دهند.

جناب آقای پزشکيان! اینجانب، حسن صادقی، ریاست کمیته کارگری ستاد حضرت تعالی که در سراسر کشور بیش از هفت هزار کیلومتر به صورت زمینی و هوایی جهت پیروزی حضرت تعالی در انتخابات ریاست جمهوری کشور، طی طریق کردم و شب و روز نمی شناختم و در تمام سخنرانی های خود رگ گردنم را برای پیروزی شما، گرو گذاشته ام؛ حال در مقابل بازنشستگان کارگری احساس سرافکنندگی می کنم که سازمان برنامه و بودجه دولت حضرت تعالی در قبال سازمان تأمین اجتماعی حاضر به عمل کردن به تعهدات قانونی خود نیست.

آقای دکتر! برای من سخت است که برای احقاق حقوق جامعه کارگری، دست به تحرک و اجتماع در مقابل سازمان برنامه و بودجه کشور بزنم؛ زیرا جامعه هدف از من اینگونه شنیده اند که با پیروزی جنابعالی در انتخابات ریاست جمهوری، دیگر نیازی به اینگونه تحرکات نخواهد بود. آقای پزشکيان، رئيس جمهور محترم مردم ایران از آن مقام درخواست داریم به سازمان برنامه و بودجه دستور دهید تا به قانون عمل کند و ما را شرمنده جامعه هدف و حضرت تعالی نکند.

حسن صادقی

## دولت بدهکار بین نسلی



را برای متولیان امر به درستی معنا نکرده باشند فلذا مشخص نیست اعمال این بی عدالتی در تعریف دایره شمول حکم مزبور ناشی از چیست؟! بویژه آنکه در صدر ماده ۲۸ صراحتاً آمده است "اقدامات زیر در صندوقهای بازنشستگی کشوری و لشگری و تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بازنشستگی وابسته به دستگاههای اجرایی و موسسات عمومی و نهادهای عمومی غیر دولتی انجام می‌گردد" فلذا مشخص نیست چرا وزارت امور اقتصاد و دارایی اصرار دارد سهام صندوقهای کشوری و لشگری و تأمین اجتماعی به فروش برسد ولی سهام شرکتهای متعلق به صندوقهای بازنشستگی زیر مجموعه خودش و وزارت صمت و شهرداری و... بفروش نرسد؟! ثانیاً: در همین ارتباط و مشابه همین حکم در بند الف ماده ۵ قانون برنامه هفتم توسعه وجود دارد که در همان مقطع تصویب نیز به لحاظ کارشناسی تذکر داده شد که این دو حکم دارای همپوشانی هستند ولیکن این تذکرات کارشناسی مورد توجه قرار نگرفت. بند الف ماده ۵ قانون برنامه هفتم توسعه دارای دو جزء است و در جزء اول کلیه دستگاههای اجرایی نظیر وزارتخانه ها مکلف شده اند تمامی سهام متعلق به خود بجز مستثنیات اصل ۴۴ قانون اساسی را ظرف دو سال بفروشند و در جزء دوم این بند "نهادهای عمومی غیر دولتی و کلیه صندوقهای بازنشستگی مکلفند سهام مدیریتیتی و کنترلی خود و توابع خود را به فروش برسانند مگر در مواردی که مصلحت ملزمه ای برای عدم واگذاری وجود داشته باشد" حال مشخص نیست که چرا دولت و متولیان امر در وزارتخانه های ذیربط قبل از اینکه به تصویب آئین نامه اجرایی جزء اول بند الف ماده ۵ قانون برنامه هفتم بپردازند و در ابتدا برنامه واگذاری جزء اول این بند یعنی واگذاری کلیه سهام متعلق به دستگاههای اجرایی و وزارتخانه ها را عملیاتی کنند و سپس به سراغ جزء دوم بند الف ماده ۵ رفته و در وهله اول، نسبت به تعیین موارد مستثنی از واگذاری بر اساس مصلحت ملزمه بپردازند و سپس به سراغ کلیه صندوقهای بازنشستگی بروند، از روی ماده ۵ قانون پرش نموده و به سراغ ماده ۲۸ رفته اند؟! ثالثاً: هدف از بند الف ماده ۵ قانون برنامه هفتم مردمی سازی اقتصاد و جلب مشارکت خصوصی و کاهش تصدای های دولت و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی؟! و

در گذشته های دور و یک زمانی که بحث سه جانبه گرایی در دنیا و ایران مطرح بود ، حضور دولت در این ارکان سه جانبه و در میان شرکای اجتماعی کارگر و کارفرما اینطور توجیه می شد که دولت پایدارترین نهاد جامعه و یک عنصر بین نسلی است و مانع اتخاذ تصمیمات غیر بیمه ای و مغایر با اصول و قواعد بیمه ای از سوی دو ضلع دیگر خواهد شد و نسل های آینده را نمایندگی خواهد کرد ولی شوربختانه در ایران دولت ها خودشان بیشترین تصمیمات موسمی و مغایر با اصول و قواعد بیمه ای را در قبال سازمانها و صندوقهای بازنشستگی و بویژه سازمان تأمین اجتماعی انجام داده و می دهند و در خصوص سازمان تأمین اجتماعی دولت تبدیل به یک بدهکار بین نسلی شده است . آن هم بدهکاری که نه تنها بدهی خود را نمی پردازند بلکه برنامه زمانبندی فروش اموال طلبکار را هم مصوب و ابلاغ می کند و تازه میخواهد برای فروش اجباری سهام سازمان تأمین اجتماعی از دولت اخيراً تصویبنامه شماره ۱۶۳۴۷۸/۶۲۷۳۵۶ ه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۴ را تحت عنوان "برنامه زمانبندی واگذاری سهام متعلق به صندوقهای بازنشستگی کشوری و لشگری و تأمین اجتماعی و شرکتهای تابعه و وابسته آنها" را جهت اجرا ابلاغ نموده است . که در رابطه با این تصویب نامه برخی ملاحظات کارشناسی زیر قابل تامل است اولاً: در صدر این تصویبنامه به بند ت ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم توسعه استناد شده است و در حالی که بند مذکور شامل همه صندوقهای بازنشستگی بوده و در آن صراحتاً آمده است "صندوقهای بازنشستگی اعم از کشوری ، لشگری و تأمین اجتماعی مکلفند کلیه سهام ...." ولیکن در تصویبنامه فوق الذکر فقط برنامه زمانبندی فروش شرکتهای متعلق به صندوقهای کشوری ، لشگری و تأمین اجتماعی تعیین شده است و بالغ بر ۱۸ صندوق دیگر متعلق به خواص از شمول این حکم قانونی و برنامه واگذاری مستثنی گردیده اند و حتی بیم آن می رود که این صندوقهای مستثنی شده بتوانند به لطایف الحیلی راساً و یا از طریق توابع خود ، سهام مرغوب سه صندوق کشوری و لشگری و تأمین اجتماعی را که به موجب این حکم مجبور به فروش سریع سهام خود شده اند را با قیمت های نازل تملک کنند. بعید است که در دولت و توابع آن افراد کارشناسی پیدا نشده باشند که مفهوم عبارت "اعم از" در حکم قانونی فوق

های متولی و دولت برای این ۴ حکم مشخص و مندرج در برنامه هفتم تاکنون هیچ اقدامی انجام نداده اند و آئین نامه ای ننوشتند ولی برای فروش سهام شرکتهای متعلق به سازمان تأمین اجتماعی عجله دارند. صرفنظر از اینکه حتی دولت علیرغم گذشت ۱۰ ماه از سال ، برای اجرای کامل حکم مندرج در قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور مبنی بر تادیه ۱۳۰ هزار میلیارد تومان از بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی اقدام جدی و موثری صورت نداده است

### جمع بندی و نتیجه گیری

صرفنظر از ایرادات قانونی ، حقوقی و کارشناسی فوق که به آئین نامه اجرایی مصوب دولت برای تعیین زمانبندی واگذاری شرکتهای متعلق به سازمانها و صندوقهای کشوری ، لشگری و تأمین اجتماعی وارد است و فارغ از عدم رعایت ترتیب و توالی منطقی احکام قانون برنامه هفتم بشرح فوق ، عدم اقدام موثر متولیان ذیربط برای تعیین برنامه زمانبندی بازپرداخت بدهی های دولت به سازمان تأمین اجتماعی که در جای جای قانون برنامه هفتم آمده است و به موجب بند ۴ سیاستهای کلی تأمین اجتماعی بایستی در اولویت اقدام قرار می گرفت میتوان تصویب آئین نامه فوق التوصیف را اینگونه تفسیر کرد که یک بدهکاری ۵۰ بدهی خود را به ساله خود به همسایه طلبکار را نپردازد و بعد یک روز سرود درب خانه طلبکار را بزنند و بگویند من بدهی ام به تو را نمی پردازم ولی در مقابل من خیلی فکر کردم و زحمت کشیدم و برای فروش طلاها ، فرش ها و یخچال و تلویزیون و ماشین و موتور و دوچرخه و کامپیوتر و موبایل های تو و همسر و بچه های تو یک برنامه زمانبندی دقیق تنظیم کردم که بفروشی و بخوری؟! ضمناً من

ضد هدف القایی یعنی مردمی سازی اقتصاد است. به تعبیر دیگر وقتی در این بازار کم عمق و غیر شفاف و دستوری بورس به سه صندوق مظلوم تکلیف می کنید که در یک مهلت کوتاه سهام خود را به هر نحوی بفروشند معلوم است که چه مجموعه هایی برای خرید و تملک این سهام دندان تیز کرده اند و در بهترین حالت همان بلایی که سر سهام بیمه ملت از طرف مجموعه کروز آمد قابل پیش بینی است البته قطعاً سمپاتیهای کروز خیللی از این موضوع خرسندند و شاید هم بدشان نیاید که بر سر اموال تأمین اجتماعی هم بیاید خصوصاً که در این آئین نامه مجوز فروش سهام متعلق به صندوقهای بازنشستگی به خارجی ها (احتمالاً برادران کشور همسایه شمال شرقی ) هم داده شده است . یعنی بیمه شدگان و مستمری بگیران ایرانی صلاحیت سهامداری اموال خود را ندارند ولی برادران... دارند؟! خامساً : سازمانها و صندوقهای بازنشستگی بویژه سازمان تأمین اجتماعی با توجه به ماهیت خدمات و پوششهای خود و بنا بر ضرورت نسبت به ایجاد شرکتهای و موسسات ماموریتی و تکلیفی اقدام نموده اند که این مجموعه ها جایگزین ساختار اجرایی آنها شده است و به تعبیری اگر این مجموعه های تکلیفی نبودند باید معادل آنها ردیف تشکیلاتی و ساختار متناظر برای ایفای این وظایف قانونی تعبیه میشد و بر همین اساس در جزء ۲ ماده ۵ قانون برنامه هفتم سازوکاری دیده شده بود که این مجموعه ها بر اساس "مصلحت ملزمه" از شمول واگذاری مستثنی شوند ولی با عدم اولویت یابی صحیح و پرش از روی بند الف ماده ۵ عملاً این خطر وجود دارد که سازوکارهای ایفای وظایف قانونی سازمانهای و صندوقهای کشوری و لشگری و تأمین اجتماعی به بیمه شدگان و مستمری بگیران دچار اختلال شود سادساً : از همه مهمتر اینکه در قانون برنامه هفتم بر اساس بند ۴ سیاستهای کلی تأمین اجتماعی که دولت را مکلف نموده است به "جلوگیری از ایجاد و انباشت بدهیهای دولت به سازمانها و صندوقهای بیمه گر اجتماعی" در چند حکم مشخص و معین به دولت تکلیف گردیده است که بدهیهای خود به سازمان تأمین اجتماعی را تادیه کند (این احکام مصرح قانونی عبارتند از جزء ۱ بند پ ماده ۵ ، بند ت ماده ۲۴ ، بند الف ماده ۲۸ و بند ۱۷ ماده ۱۱۹ قانون برنامه هفتم توسعه) و مشخص نیست چرا وزارتخانه

من یک سازمان خصوصی سازی که برای فروش اموال خودم و تادیه بدهی به تو ایجاد شده هم دارم که به وظیفه اصلی اش عمل نمی کند ولی اموال تو را میفروشد و کارمزد خود را بر می دارد و بقیه پول فروش اموال تو را به تو برمی گرداند؟! به همین زیبایی و تقریباً شبیه همان حکایت و داستان ظریفی که دکتر ظریف در مورد منطق مذاکره آمریکایی ها گفت که می گویند "هر چه مال من است که مال من است اما هرچه که مال توست قابل مذاکره است

هدف از ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم اصلاح ناترازی صندوقهای بازنشستگی قلمداد شده است ولیکن مشخص نیست چرا دولت همه صندوقهای بازنشستگی بویژه صندوقهای ناتراز ذیل وزارتخانه های دیگر که هم به لحاظ تعهدی و هم به لحاظ نقدینگی بشدت ناتراز بوده و به وفور و پنهان از منابع و اعتبارات دولتی دستگاه مربوطه بهره مند بوده و هستند را نادیده گرفته است و به سراغ سازمان تأمین اجتماعی آمده است که اگر دولت حق بیمه های جاری متعلقه را بپردازد به لحاظ نقدینگی ناتراز نیست؟! رابعاً: در تصویبنامه فوق الذکر هیچ منعی برای خرید سهام و واگذاری صندوقهای کشوری و لشگری و تأمین اجتماعی توسط بنیادها و نهادهای انقلابی و توابع آنها نشده است و با توجه به وضعیت بازار سرمایه چندان بعید نیست که سهامی که با این ضرب الاجل توسط این سه صندوق و واگذار می شود توسط بنیاد مستضعفان و کمیته امداد و ستاد اجرایی و توابع آنها خریداری نشود و این پدیده بسیار محتمل الوقوع عملاً

## گزارش ماهنامه "اتحادیه پیشکسوتان" از تورم و گرانی ها و معاش سخت بازنشستگان

### هیات تحریریه

بازنشستگان تأمین اجتماعی در این آشفته بازار چه خاکی بر سرشان کنند!!! لطفاً به شما مخاطب گرامی برنخورید، نویسندگان این مطلب خودشان به افتخار بازنشستگی نائل آمده اند و در این دریای فقر و ناداری غوطه ور و درحال غرق شدن هستند؛ دقیقاً "مثل شما" با ماهی ۱۰-۱۲ میلیون حقوق و وجوه ناقابل به عنوان متناسب سازی چه باید کرد؟! قیمت ها سر به فلک کشیده اند و همه چیز به دلار محاسبه می شود! و تنها چیزی که به ریال است، دستمزدی است که بعد از ۳۰ سال می گیریم و به چند روز قد می دهد؟! ایام پایانی سال نحس ۱۴۰۳ می باشد و نگرانی ها از ایام پیش رو به شدت افزایش یافته! همیشه خدا نگران سال جدید بودیم اما به لطف "آقای دلار" از همین الان دلشوره ها به اوج خود رسیده!

هرچه فکر نمی کردیم درحال بروز و ظهور است! دلار به مرز ۱۰۰ هزار تومان رسید! در دولت چهاردهم روند افزایش قیمت دلار تشدید شده و ظرف همین ۴ ماه حدود ۴۰ هزار تومان گران تر شده! سواى عوامل خارجی؛ دهها عامل داخلی هم به این روند دامن زده و اتفاقاً "همین خودی ها هستند که آتش گرانی ها را شعله ور می کنند و ظاهراً" هیچ عزم و اراده ای برای کنترل این اوضاع وجود ندارد! دوستی می گفت؛ در ایران پول زمین ریخته فقط باید مغزت را به کار بیندازی و پول پارو کنی؟! این جمله اگرچه مفاهیم و معانی متعددی دارد، مایه تاسف است! مایه تاسف و تأثر است که دهها هزار میلیارد نقدینگی سرگردان در دست مردم به جای آن که در مسیر تولید و کارآفرینی و شکوفایی اقتصاد کشور قرار گیرد؛ به دهها دلیل از جمله بی ثباتی و سرگیجه در سیاست گذاری ها در بورس و طلا و ارز و مسکن سرمایه گذاری گردد و بلایی بر کشور نازل گردد که شاهد و ناظریم!! شاید بگویند که در این مطلب چه می خواهید بگویند! بلی می خواهیم بگویند که جماعت حقوق بگیر خاصه

## ترک فعل دولت چهاردهم

به وعده و قول و تعهد شما به مردم که گردنتان در گرو آن است چه کرده اند؟ همانطور که معروض گردید عدم پرداخت ۱۳۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی واجد سه ترک فعل اساسی نسبت به سیاستهای کلی نظام، برنامه هفتم و قانون بودجه سال جاری است و مستوجب طرح شکایت و محکومیت در محاکم خواهد بود تازه ما فکر میکردیم و انتظار این بود که چون در این حکم آمده است "حداقل ۱۳۰ هزار میلیارد تومان" شما و دولت شما که داعیه التزام و تقید به سیاستهای کلی نظام و برنامه هفتم را داشته و دارید حتی مبلغی بیش از ۱۳۰ هزار میلیارد تومان را بخاطر کارگران و بازنشستگان بپردازد.

آقای دکتر پزشکیان اخیراً از اشتباه محاسباتی فاحش و خسارت بار وزیر نیروی وفاقی خودتان در ارتباط با میزان مازوت سوزی و تامین برق مورد نیاز کشور سخن گفتید ولی باید خدمتتان عرض کنم که اینجا صحبت از مازوت نیست و قصه بنزینی است که تیم زیرمجموعه شما دارد بر آتش مطالبات کارگران و بازنشستگان می ریزند. این ترک فعل فاحش دولت شما در زمینه عدم اجرای سیاستهای کلی نظام، قانون برنامه هفتم توسعه و قانون بودجه سال ۱۴۰۳ و عدم پرداخت به موقع بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی طی ۱۰ ماه گذشته و بویژه در پایان سال درجه شعله وری بالاتر از مازوت دارد و کار را به بنزین رسانده است و اگر هرچه زودتر برای رفع این ترک فعل اقدام جدی و موثری انجام ندهید شاید خیلی زود دیر شود.

**صادق حسونند - فعال کارگری  
بازنشسته**

زمان شروع بکار خود هیچ بخشی از این بدهی را نپرداخته است و فقط حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان از این حکم قانونی در دولت قبل و تیم مدیریتی مرحوم رئیسی پرداخت شده است و این یادگار از ایشان برای جامعه کارگری بجای ماند که برخلاف دولتهای دیگر در شروع سال بخشی از حکم قانون بودجه را در قبال بیمه شدگان و مستمری بگیران که از اقساط ضعیف ف جامعه هستند عملی نمود آقای دکتر پزشکیان خبر دارید که خلف وعده دولتمردان شما در تادیه بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی و ترک فعل آنان در عدم اجرای قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور باعث نگرانی شدید کارگران بازنشسته شده است؟ چرا که این بدهی دولت در اجرای حکم بودجه مصوب باعث تاخیر در پرداختهای مستمری بازنشستگان، ازکارافتادگان و بازماندگان هم شده و خواهد شد آقای دکتر پزشکیان ظاهراً بخشی از مدیران شما در وزارتخانه های مربوطه و سازمان برنامه و بودجه و سازمان خصوصی سازی می خواهند با آتش بازی کنند و نمی دانند که صبر و تحمل جامعه کارگری و بازنشستگی که دارد زیر این تورم افسارگسیخته له می شود هم حد و اندازه ای دارد

آقای پزشکیان شما از ابتدای ورود به عرصه انتخابات و در مناظره ها و برنامه های خود اعلام کردید که برنامه من فقط و فقط اجرای سیاستهای کلی نظام و برنامه هفتم پیشرفت است و با توجه به اینکه موضوع پرداخت سریع بدهیهای دولت به سازمان تامین اجتماعی صراحتاً در بند ۳ سیاستهای کلی تامین اجتماعی و در پنج نوبت در احکام قانون بودجه هفتم آمده است حال باید از وزرا و کارگزاران خود گزارش بگیرید که در راستای عمل

ها اقدام خواهیم نمود و امیدوارم که بقیه فعالان و تشکل های کارگری که مدعی دفاع از کارگران هستند نیز نسبت به طرح شکایت بابت ترک فعل از وزرای وزارت خانه های ذیربط و روسای سازمانهای ذیربط اقدام نمایند.

آقای دکتر پزشکیان شما که بارها گفتید از درد و رنج مردم خبر دارید آیا می دانید که تاخیر در پرداخت مستمری بازنشستگان و مستمری بگیران و بازماندگان و ازکارافتادگان کارگری یعنی چه؟ یا اینکه چون صندوقهای کشوری و لشکری و فولاد و سازمان بیمه سلامت اعتبارات و

**سازمان تامین اجتماعی واجد سه ترک فعل اساسی نسبت به سیاستهای کلی نظام، برنامه هفتم و قانون بودجه سال جاری است و مستوجب طرح شکایت و محکومیت در محاکم خواهد بود**

بودجه خود را به موقع از دولت میگیرند دیگر خیال شما و دولتمردان شما راحت است؟ آیا خبر دارید تاخیر در پرداخت به طرفهای قرارداد خدمات درمانی سازمان تامین اجتماعی که موجب گردیده برخی داروخانه ها و مراکز درمانی از پذیرش بیمه شدگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی خودداری کنند

آقای رئیس جمهور ظاهراً برخی مدیران بدنه دولت شما می خواهند با آتش بازی کنند. نمی دانم مدیران ذیربط به شما اطلاع داده اند که سازمان تامین اجتماعی نتوانسته به موقع به تعهدات خود در قبال طرفهای قرارداد غیر دولتی عمل کند چون دولت که در قانون بودجه قرار بود حداقل ۱۳۰ هزار میلیارد تومان از بدهی خود را بپردازد و دولت چهاردهم از

صورت نقدی یا از طریق روشهای تهاثر، با رعایت اصل پنجاه و سوم (۵۳) قانون اساسی واگذاری سهام شرکتهای بورسی و غیر بورسی سوخته، تهاثر میعانات گازی و نفتی، خوراک و انرژی واحدهای تولیدی متعلق به سازمان تامین اجتماعی و شرکتهای تابعه، واگذاری اوراق بهادار اسلامی (رایج بازار پول و سرمایه) منتشر شده توسط دولت، اعطای ضمانتنامه های دولتی و امتیازات مورد توافق و واگذاری طرح (پروژه) های دارای توجیه اقتصادی با درصد پیشرفت بالا و سایر موارد قابل واگذاری اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است گزارش تفصیلی عملکرد این بند را هر سه ماه یک بار به کمیسیون های برنامه و بودجه و محاسبات، اقتصادی و اجتماعی مجلس شورای اسلامی ارسال نماید"

آقای دکتر پزشکیان عدم اجرای این حکم قانونی صریح و تکلیفی یعنی عدم تادیه بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی تا بهمن ماه، سه ترک فعل محسوب میشود اولاً ترک فعل از باب عدم اجرای بند ۳ سیاستهای کلی تامین اجتماعی که شما خود و دولت خود را مقید و ملتزم به اجرای آن معرفی نمودید و با این ادله رای گرفتید ثانیاً ترک فعل از باب عدم اجرای ۵ حکم مشخص و معین در قانون برنامه هفتم توسعه که شما خود و دولت خود را مقید و ملتزم به اجرای آن معرفی کردید و حتی برنامه هفتم را به عنوان کتابچه برنامه انتخاباتی خود معرفی نمودید و ثالثاً ترک فعل از بابت عدم اجرای بند د تبصره ۱۵ قانون بودجه کل کشور و من به عنوان یکی از ذینفعان این سیاستهای کلی ابلاغی و قوانین مصوب که بخاطر ترک فعل دولتمردان شما دچار خسران شده و خواهم شد نسبت به طرح شکایت در محاکم از بابت این ترک فعل

التزام به سیاستهای کلی نظام و برنامه هفتم کلید واژه تکراری آقای دکتر پزشکیان در مناظرات انتخاباتی بود به نحوی که حتی آنها را بعنوان برنامه خود معرفی می کرد و بر همین مبنا انتظار می رفت که عمل به سیاستهای کلی نظام و بویژه سیاستهای کلی تامین اجتماعی که نوابلاغ بود و به تازگی ابلاغ شده است در اولویت اجرا از سوی دولتمردان چهاردهم قرار گیرد و دولت به تاسی از مجلس که در برنامه هفتم توسعه احکام متعددی را برای تادیه بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی درج نموده است، سریعاً نسبت به اجرای این احکام اقدام کند. در راستای همین احکام قانون برنامه هفتم توسعه، مجلس در بند د تبصره ۱۵ قانون بودجه کل کشور دولت را مکلف ساخت که "حداقل ۱۳۰ هزار میلیارد تومان از بدهی خود به سازمان تامین اجتماعی را بازپرداخت کند" مجلس برای این امر راههای متعدد و متنوعی را در حکم موصوف لحاظ نموده است. راههایی که دولت چهاردهم طی ۱۰ ماه سال جاری از طریق آنها منابع و اعتبارات زیادی را برای دیگر بخشهای دولت تامین و پرداخت نموده است و مشخص نیست که چرا از همین راهها برای تادیه بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی استفاده نمی شود در بند د تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور آمده است:

"دولت مکلف است با رعایت سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی نسبت به تادیه بدهی قطعی حسابرسی شده خود به سازمان تامین اجتماعی، و متناسب سازی حقوق و نیز حفظ قدرت خرید بازنشستگان تامین اجتماعی، حداقل مبلغ یک میلیون و سیصد هزار میلیارد (۱.۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال به

## این کار، رو، ننه جون اونم هم بلده !!

سال قرار داریم در دولت چهاردهم هیچ مبلغی از این بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی از سوی دولت جدید پرداخت نگردیده و فقط این تیم مرحوم رئیسی بودند که در همان ماههای اولیه سال نسبت به پرداخت حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان از این حکم قانونی را اجرایی کردند و محقق ساختند ولی تیم دولت جدید در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه تاکنون و درحالی که سال دارد به اتمام می رسد، متأسفانه به بهانه ناترازی بودجه و کسری بودجه از اجرای این حکم قانونی استنکاف نموده اند. این درحالی است که رئیس جمهور و دولت او بارها و بارها اعلام کردند که هیچ برنامه و دستور کار دیگری غیر از اجرای سیاستهای کلی نظام و برنامه هفتم توسعه ندارند و تادیه سریع و کامل بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی امری است که صراحتاً در سیاستهای کلی تامین اجتماعی و برنامه هفتم توسعه دولت مکلف به آن گردیده است.

ظاهراً برخی مدیران دکتر پزشکیان میخواهند با عدم پرداخت حق و حقوق بیمه شدگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی بودجه عمومی دولت را تراز کنند! و کسری بودجه را کاهش دهند! که بایستی گفت اینکار که هنر نیست و بقول اون بنده خدا در مناظرات انتخاباتی سال ۱۳۸۸ گفت «اینکارو ننه جون منم هم بلده» و دیگره اینقدر دکتر و مهندس لازم نداره! فلذا بنظر می رسد بهتر است دکتر پزشکیان برود با رویکرد وفاق، از ننه جون ایشون دعوت به همکاری و پذیرش مسئولیت در دولت چهاردهم بنماید احتمالاً نتیجه کار بهتر از این خواهد بود که کارگزاران دولت چهاردهم دارند انجام می دهند.

**صادق حسونند فعال کارگری بازنشسته**

که ارزش ذخایر بیمه ای را حفظ کند و در بند (۴) سیاستهای کلی تامین اجتماعی دولت مکلف شده است از ایجاد و انباشت بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی جلوگیری کند و در همین راستا در برنامه هفتم توسعه نیز دولت به موجب احکام متعددی مکلف به تادیه بدهی های خود به سازمان تامین اجتماعی گردیده است و مجلس در فرآیند تصویب قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور و در قالب بند (د) تبصره (۱۵) قانون مزبور مصوب نمود:

«د - دولت مکلف است با رعایت سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی نسبت به تادیه بدهی قطعی حسابرسی شده خود به سازمان تامین اجتماعی، و متناسب سازی حقوق و نیز حفظ قدرت خرید بازنشستگان تامین اجتماعی، حداقل مبلغ یک میلیون و سیصد هزار میلیارد (۱.۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال به صورت نقدی یا از طریق روشهای تهاثر، با رعایت اصل پنجاه و سوم (۵۳) قانون اساسی واگذاری سهام شرکتهای بورسی و غیر بورسی سوخته، تهاثر میعانات گازی و نفتی، خوراک و انرژی واحدهای تولیدی متعلق به سازمان تامین اجتماعی و شرکتهای تابعه، واگذاری اوراق بهادار اسلامی (رایج بازار پول و سرمایه) منتشر شده توسط دولت، اعطای ضمانتنامه های دولتی و امتیازات مورد توافق و واگذاری طرح (پروژه) های دارای توجیه اقتصادی با درصد پیشرفت بالا و سایر موارد قابل واگذاری اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است گزارش تفصیلی عملکرد این بند را هر سه ماه یک بار به کمیسیون های برنامه و بودجه و محاسبات، اقتصادی و اجتماعی مجلس شورای اسلامی ارسال نماید.»

چند ماه اول سال ۱۴۰۳ دولت سیزدهم مسئول اجرای قانون بودجه بودند و پس از استقرار دولت چهاردهم، تیم دکتر پزشکیان بعنوان مجری این قانون مشغول بکار شدند و الان که در ماههای پایانی

یکی از ناترازی های اصلی و اساسی کشور که ریشه بسیاری از نابسامانی ها است موضوع کسری بودجه کل کشور است بودجه ای که دوسوم آن بودجه شرکت های و موسسات دولتی است و به قول مرحوم دکتر عادل آذر رئیس سابق دیوان محاسبات، همانند سیاهچاله منابع عمومی را می بلعد و هیچکس به آن کاری ندارد و همه زورشان فقط به بودجه عمومی کشور می رسد که حدود یک سوم بودجه کل کشور است و در این بودجه عمومی هم غالباً همه زورشان به اقشار ضعیف و فرودست جامعه می رسد و از سهم آنان می زند این اقشار ضعیف نه رسانه دارند و نه صدای رسایی که به گوش مسئولین برسد و نه رسانه ای که برای آنها و دفاع از حقوق حقه آنان جریان سازی کند و در نتیجه بی صدایان و بی قدرتان کمترین سهم را در قانون بودجه کل کشور دارند و اگر هم در قانون برای آنها حکم و تبصره ای گذاشته شود در زمان اجرای بودجه غالباً در اولویت قرار نمی گیرند و احکام مربوط به آنان اغلب به بوته فراموشی سپرده می شود و محقق نمی گردد.

بطور مثال دولت از سال ۱۳۵۴ به بیمه شدگان و مستمری بگیران و بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی بابت سهم شرکت حق بیمه دولت بدهکار است و این بدهی هرساله تلمبار می شود تاکنون بالغ بر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان شده است که اگر دولت بخواهد این بدهی را به ارزش واقعی روز طبق بند (ه) ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی برگرداند باید حداقل ۳۰۰۰ هزار همت به سازمان تامین اجتماعی بپردازد چرا که با توجه به تورم فرآینده و سیر کاهنده ارزش ریال در مقابل دلار، عملاً این بدهی دارد روز به روز دارد آب می شود و ارزش آن تقلیل می یابد بر همین اساس در بند (۳) سیاست های کلی تامین اجتماعی دولت مکلف شده است

# گزارش مبسوط سید مجتبی قریشیان سردبیر نشریه پیشکسوتان از برگزاری نشست هم اندیشی کانون عالی و کانونهای استانی بازنشستگان مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی سراسر کشور با مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی



عنوان ورودی و خروجی به ضرس قاطع عرض میکنم تا شب عید یک موج سهمگین از بازنشسته ها وارد صندوق تامین اجتماعی میشوند، و آن طرفش برعکس شده است کفه برداشت سنگین شده و کفه واریزی سبک شده است هم اکثر کسانی هستند که ما در مقابل سازمان ۷۵ هزار نفر آدم ریختیم و خواستار اجرای قانونش شدیم الان این حرکت منفی بودنش را دارد نشان می دهد فقط ۴۰ هزار نفر شب عید وارد صندوق میشوند این را باید جمعش کنیم.

**ما سالاری روی مین فرستاده ایم و، او را مخاطب قرار می دهیم بیاید خودمان را هم مخاطب قرار دهیم:**

ما دکتر سالاری فرستادیم روی

که دوستان ما از جمله آقای بیات و دریاییگی و دریاییگی و عیوضی و راستگو و عزیزالله اسدی باشور و حرارت خاص بیان کردند همه دغدغه های جامعه هدف ما بود که واقعا بد رستی بیان کردند، ما با چنین فضایی مواجه هستیم که هر روز مورد خطاب واقع میشویم. از زمانیکه در ایام انتخابات ریاست جمهوری اخیر که دستی بر آتش داشتیم و در هر شهری که برای سخنرانی می رفتیم رگ گردن گروه می گذاشتیم که اگر آقای دکتر پزشکیان بیاید اوضاع بهتر میشود، تا امروز که چندی قبل یاداشتی را تحت عنوان آقای دکتر پزشکیان الوعه و فارا نوشتیم

**رفقا یادمان نره اوضاع خوبی نیست خط کشیدن به صورتها نتیجه اوضاع بد اقتصادی است:**

رفقا باید به این نکته توجه کنیم و یادمان باشد که اوضاع اصلا خوب نیست، نه تنها برای سازمان تامین اجتماعی خوب نیست بلکه برای کل کشور هم اوضاع خوب نیست، و سازمان هم به تبع آن در این وضعیت و گرداب و بحران دچار شده است. ما نباید به صورت یکطرفه به موضوع نگاه کنیم آقای دکتر سالاری انصافا تمام تلاش خودش را بکار گرفته است و مردانه پای کار است و دری نیست که ایشان تقالباب نکند و دنبال مطالبات سازمان نباشد ولی آنطرف قضیه هم وضعیت دولت وضعیت مطلوبی نیست و کفگیر به ته دیگ خورده است، بنا بر این باید توجه کنیم که این خط کشیدنها به صورتها نتیجه وضعیت نا بسامان اقتصادی است که بر کشور حاکم است. جناب آقای دکتر سالاری شما با شناخت مشکلات مجددا وارد این عرصه شدید.

**با آمدن آقای دکتر سالاری ضرر نکردیم:** وقتیکه عملکردها را مرور میکنیم مشاهده میکنیم که گامهای خوبی برداشته شده است یعنی حاصل سرمایه گذاری که انجام دادیم در آینده خیلی نزدیک خودش را نشان میدهد. با آمدن آقای دکتر سالاری ما ضرر نکردیم به دلیل اینکه حاصل فکر گذاری آقای دکتر سالاری ۳ الی ۴ ماه دیگر خودش را نشان خواهد داد و در بعضی حوزه ها عمده دیگر عملا به بار می نشیند. در حوزه درمان خواهید دید که استراتژی که ایشان تدوین کرده است انشاءالله درمان را سامان دهی کرده و آن را پاسخگو خواهد کرد و باعث رضایتمندی جامعه هدف میشود. در حوزه بحث افزایش حقوقها و متناسب سازی قطع به یقین ایده و تلاش دکتر سالاری بر این است که با دریافت ایشان ان شاءالله در همین سال جاری تحقق پیدا کند. امیدوارم که مباح متناسب سازی حتما روی پایه حقوق لحاظ شود و آن طیب خاطر در جامعه بازنشسته ایجاد شود

**شجاعت و جسارت دکتر سالاری در مواخذه دولتمردان مثال زدنی است:** مدیر عامل محترم سازمان تامین اجتماعی دارد مطالبات را دنبال میکند، او در دفاع از آرمانهای سازمان تامین اجتماعی نمی ترسد و این ترسیدن در واقع به ما یک قوت قلب می دهد و در ما طیب خاطر ایجاد میکند که خواسته های ما محقق شود. یک نکته ای که من باید به مدیران و دبیران خودمان عرض کنم این است که ما با یک سبیلای خودمان در ایجاد آن نقش داشتیم مواجه هستیم تحت

عامل سازمان تامین اجتماعی خدشه وارد نشود، حتما استعفا دهد و از مقام خودش کناره گیری کند و برود هر کس که قانون را اجرا کند شرعا مرتکب فعل حرام شده است و در جایگاه خودش غاصب محسوب میشود. جناب آقای دکتر سالاری عزیز ما از شما درخواست داریم که در پرداخت مابالتفاوت همسازای حقوق بازنشستگان که جنابعالی علی رغم تامین منابع مالی و با مشقت زیاد آن را اجرا کردی و در این رابطه صورت خود را با سبیلی سرخ نگه داشتی مساعدت فرمایید و دستور بدهید تا به ما پرداخت شود. ما از شما درخواست داریم که بعنوان بزرگتر ما و پدر مجموعه حق ما را ادا کنید. درمان مامشکل جدی دارد. امروز بازنشسته های مابرای درمان وام میگیرند و قرض می کنند، زندگی می فروشند و پیش دیگران گردن کج می کنند تا بتوانند درمان شوند. با اجراء شدن درست قانون الزام درمان ریگان باید از زیر یوق این مسائل خلاص شویم و درمان طوری ساماندهی شود تا شرکت بیمه آتیه سازان حافظ از این مرکیبی که الان سوار است پیاده شود.

**علی راستگو عضو هیئت مدیره کانون عالی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی: مشکلات خیلی حاد شده است:**

جناب آقای دکتر سالاری مشکلات ما به حد اعلا رسیده است و ما روی بازگشت به شهر خودمان را نداریم. شرکت بیمه آتیه سازان حافظ از اجرای تعهدات خودش شانه خالی می کند خیلی از ما پرسیده میشود مگر سازمان حق بیمه تکمیلی را از حقوق کم نمی کند پس چرا آنرا به شرکت آتیه سازان پرداخت نمی کند تا آتیه سازان بتواند دبه تعهدات خودش در مقابل ما عمل کند. آقا دکتر سالاری ما باور نداشتیم ولی با همت و عزم راسخ جنابعالی متناسب سازی اجرا شد اینک معوقات آن پرداخت نشده شهاد و شیری کار، را کم می کند لطفا ترتیبی اتخاذ فرمایید تا معوقات بیمه تکمیلی پرداخت شود

**عزیزالله اسدی رئیس کانون بازنشستگان استان قزوین فشار روی اقشار مختلف مردم بویژه بازنشستگان زیاد است**

جناب آقای دکتر سالاری جامعه بازنشسته فشار زیادی را تحمل میکنند. نظام درمان مشکلات زیادی را دارد و به مرز تعطیلی رسیده است، مردم می روند و در بیمارستانهای خصوصی هزینه می کنند و پس از گذشت ۱۴ ماهه پس از فرستادن مدارک مبلغ که باید بیمه تکمیلی بپردازد پرداخت میشود معوقات متناسب سازی را که با زحمت و تلاش حضرتعالی اجرا شد و در ابتدا، در دوره قبل هم کلنگ آنرا شما زدید، انتظار داریم که پرداخت شود. در بحث بیمه تکمیلی خسارتها درست پرداخت نمی شود.

**حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان و عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان تهران:**

**عدم اطلاع رسانی درست:** به نظر می رسد که یک اطلاع رسانی درست و دوطرفه ای وجود ندارد نه از طرف سازمان به جامعه هدف و بازنشستگان و نه از سوی سازمان تامین اجتماعی به طرف جامعه هدف که کارگران و بازنشستگان باشند. آنچه

تاکید بر پرداخت معوقات بیمه تکمیلی، بیمه عمر و اجرای قانون الزام درمان رایگان و همچنین پرداخت، معوقه متناسب سازی حقوق بازنشستگان و پیگیری وصول ۹۸ همت از مطالبات باقی مانده بدهی دولت که مصوب شده بود تا دولت آن را برای سال جاری به سازمان تامین اجتماعی بپردازد و تقدیر و تشکر از تلاش های دکتر سالاری برای اجرای متناسب سازی حقوق بازنشستگان و مساعدت ویژه دکتر سالاری در خصوص مشمول قراردادن حداقل بگیران سازمان در طرح متناسب سازی و تشکر از حوزه معاونت بیمه ای در مسائل متناسب سازی مهم مطالبی بود که در این دیدار چند ساعته با دکتر مصطفی سالاری مدیر عامل محترم سازمان تامین اجتماعی مطرح شد.

در ابتدای این دیدار قائم موهبتی معاون فرهنگی و امور استان های سازمان تامین اجتماعی گزارشی را ارائه کردند.

در ادامه آقایان علی اصغر بیات دبیر کانون عالی، نصراله دریاییگی نایب رئیس کانون عالی، علی راستگو عضو هیات مدیره کانون عالی، عزیز اله اسدی دبیر کانون استان قزوین، علی اکبر عیوضی دبیر کانون استان تهران، آقای سمیعی رئیس کانون استان لرستان، حسن صادقی عضو هیات مدیره کانون شهرستان تهران به نمایندگی از کانون های استانی و محمد اسدی رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته تامین اجتماعی، نقطه نظرات خود را بیان کردند و خواستار اقدام مدیر عامل تامین اجتماعی برای پرداخت حق بیمه های تکمیلی و عمر و پرداخت معوقات متناسب سازی حقوق بازنشستگان شدند.

**نصرالله دریاییگی نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی:**

**نقش پر رنگ کارگران در پیروزی انقلاب اسلامی**

پیروزی انقلاب اسلامی مدیون جماعت جامعه کارگری می باشد امروز در شان دولت جمهوری اسلامی نیست که جامعه کارگری در بدترین شرایط زندگی بسر می برد. ما مشکلات فراوانی را پیش رو داریم امروز جامعه شریف و زحمتکش کارگر برای برطرف کردن حداقل های خودش دست نیاز به سمت بانکها دراز می کند در این شرایط کارگر وام میگیرد تا برنج بخرد و وضعیت ما یک وضعیت اسفناکی است. دولت و سازمان تامین اجتماعی خلاف قانون عمل می کنند، این درد را به کجا منعکس کنیم و به چه کسی بگویم که، جامعه کارگری با قرارداد موقت و پابین نگه داشتن دستمزد دارد استثمار میشود، بازنشستگان با پایین بودن حقوق خودشان دارند استثمار میشوند. تبعیض های آشکاری را امروز ما شاهد هستیم ۷۰٪ از حقوق بگیران ما زیر ۱۰ میلیون تومان حقوق میگیرند

**دولتهای اصولگرا و اصلاح طلب حاصل رای ما بوده است:**

هر دولتی و از هر طیفی که روی کار آمده است حاصل رای دادن این جماعت بوده است. لازم به ذکر است که رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اگر نمی تواند کار کند و احقاق حق کند و اگر نمی تواند ۱۳۰ همت بدهی مصوب شده دولت به سازمان تامین اجتماعی، را بپردازد و اگر اوباعث بدنامی وزیر میشود و موجب میشود که به نیک نامی مدیر

بالای ۵ هزار نفر آدم به آن نقطه ای که سبب موانع پیشرفت جنابعالی است یورش می بریم تا انشاءالله خواسته های شما که تحقق منافع سازمان است محقق شود.

**محمد اسدی رئیس کانون عالی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی:**

**ما همه از یک خانواده هستیم:**

حرفهای تلخ هم، مثل داروست که برای درمان لازم است ما همه عضویک خانواده هستیم. آقای صادقی کارمن را آسان کرد. جناب آقای دکتر سالاری من باید به چند نکته اشاره کنم اولاً که واقعا جا دارد که از حضرتعالی و معاونین محترم متان تقدیر و تشکر کنم همچنین از اعضای معاونت فرهنگی که در طی این مدت زحمات زیادی کشیدند و آمار طرح کرامت رضوی به دارد به عدد سال ۴۰۱ نزدیک میشود که ما فکر نمی کردیم که به این اعداد برسیم که این خودش جای تقدیر و تشکر دارد. در بحث تسهیلات و وامها که قفل شده بود با وضعیت که شما ایجاد کردید بهتر شده و یک مقداری نیاز به جلسه هماهنگی با بانک رفاه می باشد که انتظار داریم این امر انجام شود.

**نباید خلاف قانون رفتار شود، متاسفانه ماه به ماه ۲۷ همت به بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی اضافه میشود:**

ما در در روز قبل با آقای قالیباف حدود ۵/۱ ساعت جلسه داشتیم، یکی از بحث هایی که آقای قالیباف به آن می بالید و درست هم بود این بود که در برنامه هفتم گنجانده شده است که دولت برای سازمان تامین اجتماعی بدهی جاری ایجاد نکند و بابت این، هم به مجمع تشخیص مصلحت و هم به شورای نگهبان رقتیم ولی متاسفانه ماه به ماه دارد ۲۷ همت به این بدهی اضافه میشود و این باعث میشود تا از خدمات جاری کاسته شود تا اینها پرداخت نشود مردم مشکل دارند و این نارضایتی ها پیش می آید،

**اگر زیاع رعیت ملک کند سببی بر آوردن غلامان او درخت از بیخ**

اگر دولت توان دارد یا ندارد به هر شکلی نباید خلاف قانون رفتار شود. اگر دولت خلاف قانون عمل کند نتیجه اش میشود این. اگر بنا باشد که دولت خودش به تعهدش عمل

مین و همگی او را مخاطب قرار می دهیم بیاید خودمان را هم مخاطب قرار دهیم ما باید به خودمان هم نگاه کنیم که چه نقشی در ایجاد شرایط موجود داشته ایم. بیله آقای دکتر سالاری مکلف به انجام کارهایی است که شما اشاره کردید. این سازمان مربوط به همه ماست و یک صندوق بین نسلی است. ولی ما هم در مقابل سازمان تامین اجتماعی تکلیفی داریم که باید به تکلیف خود عمل کنیم، در خشت، خشت سازمان ما سهیم هستیم، بنا بر این باید برای حفظ خشت، خشت آن کمک کنیم، جمع کنی که سال گذشته بازنشست شده اند. ۷۰٪ آنها مربوط به مشاغل سخت و زیان آور است. کلیه افرادی که با استفاده مشاغل سخت و زیان آور بازنشست شده اند ۷۰٪ آنها حقوقهای سقف بگیر را دریافت میکنند. باور کنید و باور کنیم که یک بحران عظیمی در راه است و این بحران را اگر به کمک هم مدیریت نکنیم اول کارگرهای بازنشسته مثل بلدوز، از روی ما رد میشوند. آقای عیوضی درست گفت که اگر ما حرکت نکنیم آنه ما را وادار به حرکت می کنند و از روی ما رد میشوند. شک نکنید که اگر روی آینده متمرکز نشویم این اتفاق ۳ سال دیگر محقق خواهد شد بنا بر این ما باید هر دوروی سکه را با هم ببینیم ما ملزم به دفاع از منافع و پایداری و استمرار سازمان هستیم و باید سازمان را حفظ کنیم و تن بدیم به موضوعاتی که باعث حفظ و پایداری منافع سازمان میشود و اگر دکتر سالاری قلمی در این حوزه برمی دارد از قدمش حمایت کنیم.

**تهدید نمی کنم من با تمام قوا به اتفاق، بالای ۵ هزار نفر آدم به آن نقطه ای که سبب موانع پیشرفت جنابعالی است یورش می بریم:**

آنچه که دوستان عزیز ما بیان کردن صرفا در جهت دفاع از آقای دکتر سالاری بود که ان شاءالله به نقطه مطلوب و به حمایت از ارکان سازمان ختم میشود. امیدوارم که موجب تحقق آنچه که جنابعالی در حوزه درمانی و هم در حوزه بیمه ای بعنوان استراتژی دنبال میکنید بشود. بنا بر این از حضرتعالی بعنوان مدیر عامل سازمان انتظار داریم حرکت کنید و هر کجا که نتوانستید و نیاز به کمک ما داشتید من حسن صادقی بحران آفرین در خدمت شما هستم، تهدید نمی کنم من با تمام قوا،

نکند قطعا نتیجه بدی حاصل میشود و تبعات این دومینو به همه برخورد میکند. ما باید اول به دولت تذکر بدهیم که شما بدهی جاری خودت را بده تا ما به این مشکلات مواجه نشوی ما دولت انتظار داریم که وقتی مجلس شورای اسلامی تصویب می کند که در سال جای دولت ۱۳۰ همت از بدهی هایش به سازمان تامین اجتماعی را پرداخت کند چرا پرداخت نشده. اگر برای پرداخت بدهی ها در جلسه سران قوا تصمیم گیری می کنید، چه دلیلی دارد که سازمان برنامه و بودجه برای آن تصمیم بگیرد که کجا پرداخت کند و کجا پرداخت نکند جناب آقای دکتر سالاری ما از شما انتظار داریم که این مسئله را بعنوان پیامی از جانب بازنشستگان و بیمه شدگان طی جلسه ای با رئیس جمهور رسانده شود و این مشکل برطرف شود. اگر این موارد رعایت شود قطعا مشکلی سر راه ما وجود نخواهد داشت.

### آقای دکتر سالاری شما واقعا سدی را شکستی که فقط با دستان شما می توانست بشکند:

همین اجرای متناسب سازی که فقل شده بود با جسارت و درایت جنابعالی اجرا شد، شما تجارب بیشتری از هر کسی در اجرای این روند دارید. بعضی از مسائل وجود دارد که با یک فرایند می تواند شیرین یا تلخ شود. مواردی وجود دارد که برای سازمان بار مالی ندارد و پارسلیقه ای آن می تواند به بار مالی تبدیل شود، بعنوان مثال بعد از اینک متناسب سازی اجرا شد یک عده در فضای مجازی اقدام به فضا سازی کردند که این قرنائست روی پایه حقوق محاسبه شود و گرنه چرا تاکنون احکام آن صادر نشده است یکی از چالشهایی که نباید ایجاد شود همین است انتظار داریم دستور فرمایید تا بازن احکام و محاسبه آن روی پایه حقوق به این فضا سازی ها خاتمه داده شود، تا مردم تکلیف خودشان را بدانند و به کسانی که هم تعلق نگرفته بدانند که این کمک معیشت است که انشاء الله ادامه پیدا خواهد کرد.

### شیرین ترین قسمت کار این است که معوقات متناسب سازی بطور یکجا تسویه شود:

در رابطه با تسویه معوقات متناسب سازی این نکته وجود دارد که هر قدر که بهمانند مبلغ معوقات کاسته نخواهد شد و مشکلات مالی قطعا به این سادگیها و به آسانی حل نخواهد شد ولی بازنشسته ها انتظار دارند که در این رابطه تصمیم قاطعی اتخاذ شود و انشاء الله تا شب عید پرداخت شود شیرین تر آن است که به موقع و به صورت یکجا پرداخت شود. ولی باید هر چه زودتر تکلیف آن مشخص شود. در بحث هر بوط به بیمه های تکمیلی قطعا حضرت تعالی واقف هستی که متناسب بعضی از اقلام دارویی افزایش قیمت زیادی داشته در این شرایط شما بعنوان یک مدیر توانمند و دلسوز بفرمایید که ما چه کنیم. دلیل شاد شدن بازنشسته از آمدن مجدد شما به سازمان تامین اجتماعی این بود که اول در حضرت تعالی صداقت دیده اند و دوم اینکه به مدیریت و توانمندی جنابعالی اعتقاد دارند. با توجه به هزینه های سرسام آور درمان انتظار داریم که در این خصوص به جامعه هدف ما کمک کنید. به هر شکلی که خودتان صلاح می دانید بیمه عمر را تسویه کنید چون در این خصوص شرایط بسیار بد و نامناسب است. و این یک باز تاب بسیار بدی را ایجاد کرده است. آقای دکتر ما از حوزه معاونت بیمه ای جنابعالی تقدیر و تشکر می کنیم و از آقای دکتر دهشدی متشکریم که به در بسته و بین بست می خوردیم کلیدی که برای ما سازگار بود و در بسته و ابا می کرد دکتر دهشدی بود.

### دکتر مصطفی سالاری مدیر عامل محترم سازمان تامین اجتماعی: خوشحالم که به این جلسه امدم تا حرفهای شما بزنگوران را بشنوم:

هر چه گفتید درست و دقیق بود، ولی حرفهای دقیق دیگری هم هست که باید در تکمله این حرفهای بحق زده شود. این مسائلی که مطرح شد همه اش درست و بیجا و بحق بود ولی حرفها و نکات دقیقی هم هست که عامل این گرفتاریها را بیان میکند. اگر هر دو گونه حرفها را با هم مرور کنیم بدنیست. این سوال مطرح است که وضع امروز ما چیست و چرا این وضع بوجود آمده است یک سری مسائلی وجود دارد که به مناسبات تامین اجتماعی و بیمه پردازی و محاسبات سنوات بازنشستگی و به اینچیزها مربوط میشود و یک سری مسائلی وجود دارد که به اینها ارتباطی ندارد و به مسائل کلان کشور ارتباط پیدا میکند.

### اگر کارگاه حالش خوب نباشد کارگر هم حالش خوب نیست در این صورت تامین اجتماعی هم حالش خوب نیست، کارگر و تامین اجتماعی هر دو از کارگاه ارتزاق میکنند:

اگر وضع اقتصاد ضعیف شود کارگاه حالش خوب نخواهد بود. اگر کارگاه حالش خوب نباشد کارگر هم حالش خوب نیست در این صورت تامین اجتماعی هم حالش خوب نیست، کارگر و تامین اجتماعی هر دو از کارگاه ارتزاق میکنند. کارگاه اگر درآمد نداشته باشد حق بیمه ی کمتری را پرداخت میکند و منابع سازمان کم میشود. وقتیکه ما در اقتصاد چالش داریم این چالشها حتما در زندگی همه ما اثر میگذارد ما در ماههای جاری بدون حقوق معوقه نزدیک به ۶۰ ماهی ۹۰ همت هزینه داریم که حدود ۶۰ همت آن فقط مستمری می باشد. این بدون مقرری بیمه بیکاری، بدون حقوق کارکنان و مواردی است که نمی شود حتی یکروز آنرا به تاخیر انداخت. درمان را بگذارید کنار کل وصولی ما ۶۴ همت می باشد. بطور اجتناب ناپذیر حدود ۷۵ همت هزینه داریم. اگر پول بیمارستانها و درمانگاهها و داروخانه ها را پرداخت نکنیم باز هم ماهی نزدیک به ۲۰ همت کسری بین منابع و مصارف را داریم. یکی از دلالتش این است که سازمان از سنش خیلی گذشته است. سازمانی که نپویاتازه تاسیس است، نرخ پشتیبانی آن خوب است. در حالیکه نسبت مستمری بگیر به بیمه پرداز الان ۹/۳ میباشد، محاسبات نشان می دهد اگر این عدد زیر ۷/۷ بیاید سازمان در معرض آسیب جدی قرار میگیرد. یعنی بجای اینکه ۹ نفر بیمه پردازند و یک نفر مستمری دریافت کند الان ۹/۳ نفر یا حتی کمتر بیمه می پردازند و یک نفر مستمری دریافت میکند. با این نسبت معجزه که نمیتوان انجام داد.

### اگر یکنفر با ۱۰ سال سنوات و با استفاده از مشاغل سخت و زیان آور بازنشست شود (به حق یا به ناحق) ۳ همت از جیب شما برداشت میشود.

شما چند نفر سراغ دارید که زیر ۴۰ سال بازنشست شده اند. دنیا به ما میخندد که ما زیر ۴۰ سال را بازنشست میکنیم. این فرد بازنشسته با سن ۴۰ سال از اینجا حقوق میگیرد و جای دیگری کار میکند. این مسائل را شما هم بگویید، صندوق خودتان را دارد نابود میکند. اگر یکنفر با ۱۰ سال سنوات و با استفاده از مشاغل سخت و زیان آور بازنشست شود (به حق یا به ناحق) ۳ همت از جیب شما برداشت میشود. تقریبا در همه جای دنیا بازنشستگی با توجه به سن میباشد و با سنوات نیست. کمیته هایی در استانها درست شده که اینها اکثرا خوشاوندان خودشان

را تحت پوشش مشاغل سخت و زیان آور برده اند و آنها را بازنشست کرده اند. اینه حتی بدون جلسه و بصورت دستگردان امضاء جمع میگیرند که شغلش سخت و زیان آور است. آیا واقعا ۵/۲٪ از مشاغل کشور ما سخت و زیان آور است؟ طی سال گذشته ۵۲٪ از افرادی که بازنشست شده اند با سنوات ارفاقی بازنشست شده اند، این حتما صندوق را نابود میکند.

### اگر آن طرف را پیشگیری نکنیم فکر نکنید که شما می توانید با تجمع مشکل را حل کنید، با مسلسل هم نمی توان مشکل را حل کنید:

حتما سازمانیکه منابعش ۶۴ همت میشود و مصارفش ۹۰ همت، باعث میشود که به اینجا برسیم. اگر آن طرف را پیشگیری نکنیم فکر نکنید که شما می توانید با تجمع مشکل را حل کنید، با مسلسل هم نمی توان مشکل را حل کنید. وقتیکه بنیان را خراب کردید نمی توانید به هیچ طریقی مشکل را حل کنید. منابع و مصارف فقط می تواند با عقل و تولید هم خوانی پیدا کند. با فشار هماهنگ نمی شود، بلکه با محاسبات و تدبیر می تواند این هماهنگی ایجاد شود. اگر ما با تدبیر عواملی را که باعث نابودی صندوق میشود را اطلاع کردیم که نتیجه می گیریم در غیر این صورت ۲۱ سال به هر کسی که فشار بیآورید خرج بیشتری میکند و مشکلات بیشتر جمع میشود و بیچاره تر میشود و سال بعدش سازمان بشود و بطوری سقوط میکند که دیگر به هیچ وجه قادر نیست که از جایش بلند شود. وقتیکه منابع و مصارف با هم هماهنگ نباشند مجبور میشوند استقراض بیشتری بکنند و این استقراض بیشتر سقوط شدیدتری را به همراه خواهد داشت که قابل جبران و اصلاح نخواهد بود.

### در قانون به صراحت آورده شده است که باید از مزایای مستمری که با حقوق پرداخت میشود، حق بیمه دریافت شود:

مگر در قانون نیامده است که از همه مزایای مستمر باید حق بیمه دریافت شود ولی با این امر مخالفت میشود. گفتیم سالهایی را که ما از عائله مندی بیمه نگرفتیم خلاف کردیم. چون در قانون به صراحت آمده است که از هر مزایای مستمر باید بیمه دریافت شود. مگر حق اولاد و عائله مندی مزایای مستمر نیست؟ در این سوختی برای گرفتن حق بیمه با مانع مواجه هستیم ولی آن طرف که سازمان پرداخت کند مثل مشاغل سخت و زیان آور را باز می کنیم و همه چیز را بر باد می دهیم. در اینجا شما باید از ما دفاع کنید فشار روی ما کمر شکن است. معتقد هستم که میشود در همین وضعیت سخت با هم بهتر جلو برویم.

### همه حرفهای شما درست است، ولی حرفهای درست دیگری هم هست که من در کنارش یکی، یکی عنوان میکنم:

ما باید با این اعداد زندگی کنیم و بر اساس قانون کسورات قانونی خود را از شما بگیریم که بتوانیم وظیفه قانونی خود را بر سرستی انجام دهیم. موردی وجود داشته که طرف هنوز ازدواج نکرده و با ۳۷ سال سن بازنشست شده است و بعد آمده که وام بگیرد و برود ازدواج کند. بسیاری از لیست بیمه ها که برای پرداخت حق بیمه ارسال میشود بر اساس مزد غیر واقعی ارسال میشود یعنی کارگاهها مزدی را که به کارگر پرداخت می کنند بر اساس آن مزد حق بیمه پرداخت نمی کنند. باید برویم به سمت اینکه از مزد واقعی حق بیمه دریافت کنیم، چرا بر اساس مزد واقعی بیمه پرداخت نمی شود. چون حقوق بازنشستگی بر اساس میانگین بیمه پرداخت شده بابت حقوق ۳ سال آخر خدمت پرداخت میشود. باور کنید که اگر کسی نخواهد تقبل کند و میانگین سالهایی که حق بیمه پرداخت کرده به روز رسانی شود و ملاک عمل تعیین دستمزد

مستمری قرار بگیرد به نفعش می باشد. ضریب به روز رسانی ۳۰ سال بهتر از میانگین ۲ سال آخر رمی باشد. اگر اینکار را بکنیم هیچ کارگری اجازه نمی دهد که با مزد غیر واقعی برای اوج حق بیمه پرداخت شود. ما از جامعه کارگری میخواهیم که کمک کنند تا این را اجرا کنیم باور کنید که یک ماه بعد از اجرا کردن این مسئله ما مشکل مالی نداریم. نه کارگر و نه سازمان هیچکس ضرر نمی کند. کارفرما هم که وظیفه قانونی خودش را انجام داده است.

### درمان ما نابسامان است، ایراد و اشکال دارد:

بی انتظامی ما در مسیر ارجاع بیمار، از پولدارترین کشورها هم گله گشتادتر است. بروید در کشورهای توسعه یافته و حتی کشورهایی که حال و روزشان مثل ما و یا کمی بهتر از ماست سوال کنید هیچ جا اینطوری نیست که یکنفر در روز برود و ۳ تا Mri بگیرد و پولش را بیمه پرداخت کند. صرف نظر از اینکه هزینه های اینها را بیمه پرداخت میکند باعث به هم ریختگی و ایجاد ترافیک در نظام درمانی کشور میشود. در مسیر حرکت و در مان بیمار نابسامانی و اشکال ایجاد میشود، پزشکی که باید ۱۰ دقیقه صرف ویزیت بیمار کند با این ترافیک ۲ دقیقه صرف میکند.

### ما در تجویزهای غیر ضروری و تکراری و لخر جی داریم:

اینها همه هزینه ایجاد میکند و بعد میشود بیمه تکمیلی، این واقعا راه حل دارد باید پزشک خانواده و نظام ارجاع بگونه ای پیاده شود که اگر بیماری ظرف ۳ ماه به پزشک خود مرا جعه نکرده، این پزشک باشد که جویای حال بیمار شود، همان پزشک عمومی حال بیمار را، تحت کنترل بگیرد و در صورت نیاز او را به متخصص ارجاع دهد اگر در اینجا درست و به موقع هزینه کنیم نیاز به بیمه تکمیلی جونداردم محاسبه کردیم تقریبا ۱۰٪ هزینه بیشتر در حوطه درمان می توانیم درمان را در مسیر واقعی خودش قرار دهیم و آنرا رایگان به بیمه شده ها ارائه دهیم. و این می ارزد که ما حتی بیشتر از این را هزینه کنیم.

### ما برای فرهنگ سازی به کمک هم نیاز داریم:

صادر دوره قبلی که می خواستیم نسخه الکترونیکی را پیاده کنیم واقعا کارشکنی های بزرگی صورت گرفت: زورمندان و کسانی که می توانستند و اختیاریان را داشتند کارشکنی هایی میکردند که کفایت می کرد تا چندین بار کار، را زورهای کنیم. میزان فشاری که به ما ظرف یک الی ۲ روز، وارد می شد قاعدتا باید کار، را رها میکردیم، ما نسخه الکترونیکی را اجرا کردیم که بعد از آن نظام ارجاع را پیاده اجرا کنیم و بعد از آن پزشک خانواده را پیاده کنیم و بعد از آن درمان رایگان را عملی کنیم. همان زمان هم ما آنرا تادین کردیم و بسته پیشنهادی خود را دقیق و با ذکر جزئیات به هیئت دولت ارائه کردیم که مصادف شد با انتخابات ریاست جمهوری و رفتن من از سازمان میخواهم بگویم این یک گام مهم برای نزدیک شدن به درمان رایگان است. مات برای رسیدن به هدف درست خود مشکلات را تحمل کنیم تا تا طرف یکسال یا ۲ سال آینده به هدفی که داریم دست پیدا کنیم.

### سازمان یکی از بزرگترین موسسات ارائه کننده وام قرض الحسنه بدون کارمزد:

وقتیکه یک میلیارد تومان حق بیمه ما را رئیس شعبه امضاء کند که بصورت اقساطی پرداخت شود، یعنی یک وام قرض الحسنه مدت دار بود سود و بدون کار مزد پرداخت کرده است، چه کسی گفته که باید تقسیط شود کجای قانون ما ملزم به چنین چیزی کرده است این تفکیک کردن باعث میشود

که ظرف ۵ سال ۷۰٪ ارزش پول گرفته شده کاهش پیدا کند. یکسری چیزها کنار هم قرار گرفته است که با هم همخوانی ندارد. معافیت ها نیاز به ساماندهی دارد معافیت های بیمه ای که باید الان دولت حق بیمه آنرا ندادد کفش ۲۵ همت است. آیا دولت قادر این مبلغ را پرداخت کند، قطعا نمی تواند آنرا پرداخت کند و این غیر ممکن است ما باید معافیت ها را ساماندهی کنیم. واقعا فشارهای غیر قابل تحملی به ما وارد میشود. اگر بخواهیم برخی از این معافیت ها را که اتفاقا به پولدارها هم تعلق میگیرد سامانده کنیم سازمان را روی سرشان میگذارند. در اینجا شما به ما کمک نکرید.

### اگر مدلی سراغ دارید که بهتر بتوان کار کرد و سازمان را اداره کرد حتما به ما نشان دهید تا آنرا اجرا کنیم:

ما بانک رفاه را نداریم و آنرا از سازمان گرفته اند و این در توان مالی ما تاثیر نامطلوبی گذاشته است. و مشکلات زیادی را برای ما ایجاد کرده است. سهم شستا در تامین منابع سازمان که حدود ۲۰ سال پیش ۳۱٪ بود الان شده ۲٪. بازنشسته ای داریم که با ۳۷ سال سن بازنشست میشود. ماهی ۲۵ همت معافیت بیمه ای داریم، مکلف هستیم که تقسیط آنچنانی هم بکنیم، شما اگر مدلی سراغ دارید که بهتر بتوان کار کرد و سازمان را اداره کرد حتما به ما نشان دهید تا آنرا اجرا کنیم اینها برای ما اشکالات اساسی را بوجود آورده است. ما برای متناسب سازی ۵/۱۲ همت بدهکاریم عیسی ۱۷ همت پول نیاز داریم، برای داروخانه ها و مراکز درمانی غیر دانشگاهی ۲۷ الی ۲۸ همت پول نیاز داریم که بدهی خود را به آنها پرداخت کنیم تا پایان سال جاری ۲۱۷ الی ۲۱۸ همت هزینه داریم ولی در خوشبینانه ترین حالت ۱۳۱ همت حق بیمه بگیریم و ۵ الی ۶ همت هم سود سهام دریافت کنیم، برای بقیه اش هیچ راهی نداریم که مطالبات خودمان را از دولت وصول کنیم با رئیس جمهور صحبت کردم که در این خصوص جلسه بگذاریم. فکر نکنیم که الان فقط ما گرفتار هستیم اگر قطعی برق و گاز... داریم از کمبود منابع است شما هر قسمتی را که مشاهده میکنید مشکل و گرفتاری دارد.

### توروم از جیب همه میخورد:

۲۰ سال پیش پولی را که میگرفتیم شایدر قمش ۱/۱۲ الان بود و آنروز معادل ۱۰ سکه بهار آزادی میشد ولی امروز یک کارمند با ۲۰ سال سابقه یک سکه هم نمیگیرد، این فشار به همه جا وارد میشود اینطور نیست که فقط به یک قشری فشار بیورد. ما امروز از جمعیت کمتری و با پول کمتری حق بیمه میگیریم ولی جمعیت بسیاری شده است مستمری بگیر، اینها مناسبات و توان سازمان را بهم زده است. البته اینها دلیل نمی شود که ما تلاش نکنیم

### با رئیس جمهور مقرر شد که در اولین فرصت ممکن جلسه بگذاریم:

رئیس جمهور صحبت کردم و قرار شد که به اتفاق وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه و آقای دکتر میدری وزیر کار جلسه راجع به وصول مطالبات سازمان از دولت جلسه بگذاریم. ما باید زده، ذره مشکلات را حل کنیم معجزه که نمی توان کرد. سخت است کار کردن ولی ناامید نیستیم و میشود کار کرد گرچه سال سخت و پیچیده ای داریم. جامعه مشکلاتش زیاد است ولی ان شاء الله می توانیم با هم دیگر جلو ببریم. بیمه تکمیلی را تا پایان آذر تسویه کردیم بیمه عمر را سعی میکنیم تسویه کنیم ما داریم تلاش خودمان را انجام می دهیم و از طرف شما هم چانه زنی میکنیم.

## امروز چی میخای بخری؟!



چند وقت پیش یک سفر کاری داشتم. همیشه دوست داشتم در تخت های بالا کوپه قطار جا بگیرم اما اون روز دیرتر وارد ایستگاه شدم و وقتی رفتم داخل کوپه، دو تا خانم جوان در تخت های بالا جا گرفته بودن. قسمت پایین به خانم با پسر حدوداً ۹ ساله، و یک آقای میانسال نشسته بودن.

من نیز به ناچار همون پایین نشستم و از همون ابتدا مشغول کتاب خواندن شدم. بعد از گذشت یکی دو ساعت متوجه شدم، خانمی که پسر بچه همراهش بود داره گریه میکنه. و آقای میان سال روبه‌روش باهاش صحبت می‌کنه. بی اراده به سخنان این دو نفر گوش کردم.

گویا مادر شوهر و خواهر شوهر آن خانم، در کوپه بغلی بودند، و او فرزندش را به کوپه بغل فرستاده بود و به او گفته بود: برو ببین در مورد من چی می‌گن. پسر بچه وقتی برگشته بود، هر چه را که شنیده بود، از سیر تا پياز برای مادرش تعریف کرده بود... ظاهراً حرف‌های خوشایندی زده بودند! آقای میان‌سال، که فردی پخته بود، به این مادر گفت: تا زمانی

که اعتبار به رنج کشیدنت را ترک نکنی، اوضاع همین است. برایم جالب بود. مگر ما انسان‌ها معتاد به رنج کشیدن هم می‌شویم؟! من آموختن را دوست دارم، به نظرم جامعه، بزرگ‌ترین دانشگاهی است که هر انسانی، بدون پرداخت شهریه، می‌تواند در کلاس‌های آن، شرکت کند و انتخاب کند چه بخواند. اون روز من هم در کوپه، در یک کارگاه عملی شرکت کرده بودم... مادری «معتاد به رنج» و استادی که آماده بود تا راهنمایی کند. من هم سر تا پا شوق آموختن.

استاد ( آقای میان‌سال) رو به خانم گریان کرد و گفت: از کی معتاد شدی؟! خانم گریان گفت: من اصلاً معتاد نیستم! به خدا من هیچی مصرف نمی‌کنم. استاد گفت: چرا! رنج کشیدن عادت روزانه ات شده. مگر تو امروز مسافر نیستی؟

گریان خانم گفت: چرا، داریم می‌ریم سفر. استاد گفت: تو امروز به‌خاطر آماده شدن برای سفر، رنج مصرف نکرده بودی. اما تا در کوپه نشستی، فرزندت را فرستادی تا از کوپه کناری، برایت مواد تهیه

باید پشت سرم حرف بزنند؟! استاد گفت: شغل مواد فروش، فروش مواده. تو چرا مواد آن‌ها را می‌خری؟ تا زمانی که تو بهایی نپردازی، هیچ‌کس به زور به تو هیچ موادی نمی‌دهد. و ادامه داد: در این دنیا همه فروشنده هستند؛ تو مشخص کن، خریدار چه چیزی هستی: خریدار آرامشی، خریدار شادی، یا خریدار رنج و اندوه! من هرگز به دنیا این‌گونه نگاه نکرده بودم. برایم زیباترین تعبیری بود که تاکنون شنیده بودم. استاد ادامه داد: اگر در طول روز از خودت پرسوی، که امروز می‌خوام چه چیزی را بخرم، که برای زندگی ام مفید باشد بابت اجناس بنجل، بهایی نمی‌پردازی!

بحث آن‌روز دیدگاه جدیدی را در من به‌وجود آورد. واقعا امروز شما خریدار چه چیزی هستید: تنبلی و بطالت، رنج و اندوه، یا شادی و آرامش، و رشد و ...؟! یادمان باشد، ما انسان‌ها دارای حق انتخاب هستیم، پس در اختیار خودمان است که کدام زمینه یا موضوع را انتخاب کنیم.

## جلب اعتماد با قدم‌های کوچک یک هنر است!



روش، فرد ناخودآگاه در مقابل عمل انجام‌شده قرار می‌گیرد و راحت‌تر تصمیم می‌گیرد که همراه بشه. چرا این روش کار می‌کنه؟ • ذهن مخاطب مقاومت کمتری در برابر تصمیم‌گیری پیدا می‌کنه. • حس اعتماد و ارزشمندی به او منتقل می‌شه. • همکاری و پذیرش به‌طور طبیعی اتفاق می‌افته.

یک مثال واقعی: فرض کنید مدیر شما می‌خواهد مسئولیت مهمی رو به شما واگذار کنه. به‌جای اینکه مستقیم دستور بده، می‌گه: «فکر می‌کنم این پروژه مناسب شماست و از پیشش برمیاید. موافقت شروع کنیم؟»

این جمله نه‌تنها به شما اعتمادبه‌نفس می‌ده، بلکه حس می‌کنید انتخاب در اختیار شما بوده. درخواست‌های کوچک، اعتمادهای بزرگ: به یاد داشته باشید، هر چقدر هم درخواست شما بزرگ باشه، آگه با قدم‌های کوچیک‌تر شروع کنید، شانس موفقیت شما چند برابر می‌شه.

جلب اعتماد به هنر تدریجیه، نه به اقدام لحظه‌ای! گاهنامه مدیر گاهواره دانایی

دکتر حسن بودلایی  
تا حالا به این فکر کرده‌اید چرا بعضی‌ها خیلی راحت می‌تونن درخواست‌های خودتون رو به نتیجه برسونن؟ رمزش اینه که اون‌ها هیچ‌وقت با درخواست‌های بزرگ شروع نمی‌کنن! اون‌ها خوب می‌دونن که اعتماد مثل یه پله ساخته می‌شه، نه با پرش از روی موانع.

چرا درخواست‌های کوچک اینقدر تأثیرگذارن؟ وقتی از درخواست‌های کوچیک شروع می‌کنید، به مخاطب فرصت می‌دید تا بدون فشار یا استرس، با شما همراه بشه. این کار نه‌تنها اعتماد ایجاد می‌کنه، بلکه باعث می‌شه پذیرش درخواست‌های بعدی هم آسون‌تر بشه. درخواست کوچیک، مثل یه آجر برای ساختن یه بنای بزرگه. تکنیک "جواب مثبت فرضی": طلای متقاعدسازی این تکنیک یکی از روش‌های طلایی در ارتباطات اثرگذاره. به‌جای اینکه مستقیم بخواید، شرایطی رو ایجاد کنید که طرف مقابل خودش حس کنه در مسیر درستی قرار گرفته. مثال: «به نظر می‌رسه این بهترین راه باشه، شما هم همین‌طور فکر می‌کنید؟» با این

## خانم‌ها حتما بخوانند!!!

برابر و عادلانه‌تری ایجاد کرد. راهکارهای مقابله با پدیده پله‌برقی شیشه‌ای در سازمان عبارتند از:

۱. سیاست‌های استخدام و ارتقای کارکنان سازمان را بازنگری و اصلاح کنید تا از برابری فرصت‌ها برای همه اطمینان حاصل کنید. ارزیابی کارکنان بر اساس شایستگی‌ها و عملکرد آن‌ها و نه بر اساس جنس، نژاد یا سایر ویژگی‌های شخصی انجام شود.
۲. فرهنگ سازمانی ایجاد کنید که در آن به همه افراد بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد یا قومیت فرصت‌های برابر داده شود. دوره‌های آموزشی برای مدیران و کارکنان در مورد تبعیض جنسیتی و اهمیت برابری جنسیتی برگزار کنید. مدیران و کارکنان زن موفق را در سازمان به عنوان الگو معرفی کنید.
۳. شبکه‌های حمایتی برای مدیران و کارکنان زن به منظور فراهم کردن فرصت‌های شبکه‌سازی و رشد حرفه‌ای ایجاد کنید.
۴. منابع و فرصت لازم و کافی را برای توسعه شایستگی‌های مدیران و کارکنان زن فراهم کنید. حضور زنان را در هیات مدیره سازمان‌ها افزایش دهید.

گاهنامه مدیر = گاهواره دانایی

می‌شود تا مردان در مشاغل زنانه به عنوان مدیران بالقوه دیده شوند. مردان اغلب شبکه‌های ارتباطی قوی‌تری دارند که به آن‌ها کمک می‌کند تا به سرعت به سطوح بالای سازمان ارتقا یابند. تبعیض جنسیتی آشکار و پنهان در سازمان‌ها، از جمله تخصیص وظایف متفاوت به زنان و مردان، ارزیابی عملکرد متفاوت و فرصت‌های آموزشی نابرابر، باعث می‌شود تا زنان از نظر شغلی عقب بمانند. زنان به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی، اغلب مجبور هستند بین کار و خانواده تعادل برقرار کنند که این امر می‌تواند بر پیشرفت شغلی آن‌ها تأثیر بگذارد. اثرات پدیده پله‌برقی شیشه‌ای عبارتند از: کاهش عزت نفس، انگیزه، رضایت شغلی و بهره‌وری، افزایش استرس و تمایل زنان به ترک سازمان. زنان ممکن است احساس کنند که تلاش‌هایشان برای پیشرفت نادیده گرفته می‌شود و در نتیجه، انگیزه و رضایت شغلی آن‌ها کاهش یابد. این پدیده به تقویت نابرابری جنسیتی در سازمان‌ها کمک می‌کند و باعث می‌شود تا زنان در سطوح پایین‌تر باقی بمانند. تمرکز بر استخدام مردان در مشاغل زنانه، منجر به کاهش تنوع در تیم‌های مدیریتی می‌شود که می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد سازمان تأثیر منفی بگذارد. پدیده پله‌برقی شیشه‌ای یک مشکل جدی است که بر فرصت‌های شغلی زنان تأثیر می‌گذارد. برای مقابله با این پدیده، نیاز به تلاش‌های جمعی و مداوم همه افراد در سازمان است.

با ایجاد تغییرات در فرهنگ سازمانی، سیاست‌ها و رویه‌ها، می‌توان به تدریج موانع موجود بر سر راه پیشرفت زنان را از بین برد و محیط کاری

زنان در مشاغلی که بطور سنتی زنانه در نظر گرفته می‌شوند می‌توانند مدیران لایقی باشند. پدیده پله برقی شیشه‌ای × دکتر علی محمد مصدق راد × نشر: گاهنامه مدیر اصطلاح پله‌برقی شیشه‌ای توسط کریس ویلیامز استاد جامعه‌شناسی آمریکایی در سال ۱۹۹۲ میلادی در مجله مشکلات اجتماعی بیان شد. پدیده پله‌برقی شیشه‌ای به وضعیتی اشاره دارد که در آن مردان در مشاغلی که به طور سنتی زنانه در نظر گرفته می‌شوند، به سرعت و به راحتی به سطوح بالای مدیریتی می‌رسند. در حالی که، زنان در همان مشاغل با موانع و تبعیض‌های جنسیتی روبرو هستند و پیشرفت آن‌ها بسیار کندتر صورت می‌گیرد در بسیاری از جوامع، شغل معلمی ابتدایی شغلی زنانه محسوب می‌شود. با این حال، اغلب مدیران مدارس ابتدایی مرد هستند. مردان در این حرفه به سرعت به سمت مدیریت ارتقا می‌یابند، در حالی که زنان با وجود تجربه و سابقه کاری بیشتر، همچنان در سطوح پایین‌تر باقی می‌مانند. پرستاری شغلی است که به طور سنتی زنانه در نظر گرفته می‌شود. با این حال، مردان پرستار به سرعت به سمت مدیریت ارتقا می‌یابند، در حالی که زنان با موانع بیشتری در این مسیر روبرو هستند.

عوامل موثر بر پدیده پله‌برقی شیشه‌ای عبارتند از: کلیشه‌های جنسیتی، شبکه‌های اجتماعی، تبعیض جنسیتی و تعارض کار و خانواده. باورهای سنتی در مورد نقش‌های جنسیتی و توانایی‌های زنان و مردان، باعث

## با حذف یارانه دارو دهک های فرودست را زمینگیر نکنید و درمان آنها را به مخاطره نیندازید



اجتماعی از تصمیم حذف یارانه دارو به شدت متضرر می شود» تصریح می کند: این صندوق ۵۳.۷ درصد از جمعیت کشور را تحت پوشش دارد و درمان رایگان به آن ها ارائه می دهد؛ با گرانی دارو این سازمان عملاً زمینگیر می شود؛ همین الان این سازمان با وضعیتی که دولت پیش آورده در مسیر نیستی و نابودی است؛ گرانی دارو سرعت این سقوط را بیشتر می کند.

منفی ندارد، ساده ترین نیازهای زندگی از جمله داروی ارزان را از مردم دریغ می کنند. به اعتقاد رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، اولین بخشی که از گرانی دارو ضربه می خورد، صندوق های بیمه ای است، همان صندوق هایی که پناهگاه ضعیف ترین اقشار جامعه هستند. تامین اجتماعی از تصمیم حذف یارانه دارو به شدت متضرر می شود و با تاکید بر اینکه «تامین

بیمه شدگان نیست. صادقی با بیان اینکه «واقعاً نمی دانیم چرا دولت ها مسیر غلط حذف یارانه دارو و اقلام اساسی و همچنین حذف ارز ترجیحی را با شتاب در پیش گرفته اند» ادامه می دهد: هدف دولت ها جبران کسری بودجه است و متأسفانه به جای اینکه سراغ مولفه هایی در بودجه بروند که واقعا مازاد است و حذف آن ها برای طبقات فرودست تبعات

«حسن صادقی» رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در این رابطه به ایلنا می گوید: با حذف یارانه دارو در سال جاری و مضاف بر آن، حذف ارز ترجیحی دارو در سال آینده، به خرمن جان و جسم طبقات ضعیف جامعه آتش می زنیم؛ تنها مرجع و پناهگاه دهک های فرودست جامعه، صندوق های بیمه ای پایه هستند اما با وضعیتی که با یارانه زدایی ایجاد کرده اند، عملاً صندوق های بیمه گر زمینگیر شده اند. او می افزاید: تا پیش از این، وقتی فردی برای درمان سرمایه خردی یا یک بیماری ساده و دم دستی به مراکز درمانی به خصوص مراکز درمانی ملکی تامین اجتماعی مراجعه می کرد، به داروی رایگان یا ارزان دلخوش بود، اما حالا کاری کرده ایم که صندوق ها در تامین هزینه داروها در سبب درمانی خود به مشکل خورده اند و وضعیتی به وجود آمده که مبلغی که به دارو و درمان در صندوق ها تخصیص می یابد، پاسخگوی نیازهای اولیه ی

برای بیمه گرها و به خصوص تامین اجتماعی در نظر نگرفته است. در روزهای اخیر، پناهی زاده عنوان کرد: انتظار داریم که در یک بازه زمانی مشخصی تغییر قیمت دارو انجام شود و ما ماهانه این تغییرات را نداشته باشیم، این برای نظام سلامت و برای مردم واقعاً جالب نیست که ما ماهانه تغییر قیمت داشته باشیم. سقف تغییر قیمت و سقف بودجه سازمان های بیمه گر مشخص است و ما از بودجه داخلی خود قاعدتاً پرداخت می کنیم و این این ایجاد بدهی می کند. مدیرکل درمان غیر مستقیم سازمان تامین اجتماعی ادامه داد: سقف ۲۰ درصد افزایش قیمت دارو در تعرفه اعمال شده و هر آنچه ابلاغ شده خارج از ۲۰ درصد است که باید دولت قاعدتاً منابعش را برای سازمان های بیمه گر تامین کند. صندوق های بیمه گر زمینگیر شده اند گرانی دارو، چه آسیب هایی به خانواده های کارگری وارد می آورد و چطور جان و سلامت فرودستان با حذف یارانه های دارو به خطر می افتد؛

حسن صادقی گفت: با حذف یارانه دارو، دهک های فرودست از تامین دارو و درمان بیماری ها عاجز می شوند و سلامت شان به طور جدی به خطر می افتد؛ علاوه بر آن، با این تصمیم نادرست، همه سازمان های بیمه پایه به ورطه ی ورشکستگی سوق داده می شوند و توان خدمت رسانی را از دست می دهند. گرانی دارو، یک دغدغه ی جدی است؛ در دی ماه، قیمت ۳۷۰ قلم دارو افزایش یافته است؛ این خبر را رئیس سازمان غذا و دارو چند هفته قبل اعلام کرده است و قیمت های اعلامی شرکت های داروساز نشان می دهد که نرخ ها تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته اند. در این میان، سازمان تامین اجتماعی گرانی ها را فقط تا ۲۰ درصد پوشش می دهد و در حالیکه وزیر بهداشت ادعا کرده مابه التفاوت از سوی بیمه گرها جبران می شود و بار گرانی بر دوش مردم نخواهد افتاد، به گفته «داریوش پناهی زاده» مدیرکل درمان غیرمستقیم سازمان تامین اجتماعی در یک برنامه تلویزیونی، هنوز دولت بودجه ای

## گرانی کالا و خدمات بدون اینکه مانعی سرراش بیند بطور افسار گسیخته بر مردم می تازد و از آنها قربانی می گیرد

درصد تعیین دستمزد شرافتمندانه، که منصفانه و ارضاکنده بوده و شایسته حیثیت کمال یافته انسانی کارگرمست باشند و با این دید صادرصد که کارگر حق دارد از سطح یک زندگانی که سلامت و رفاه او و خانواده اش از جمله خوراک و لباس و مسکن متناسب، سفر و تفریح و رسیدگی های پزشکی آنان را تامین کند برخوردار باشد و اینکه کارگر حق دارد از خدمات ضروری اجتماعی در هنگام اشتغال و بیکاری و بازنشستگی و بیماری و درماندگی و بیوگی و پیری و سایر مواردی که بنا به اوضاع و احوالی بیرون از اراده او وسایل معاش وی مختل می گردد استفاده کند مطالبه گر باشد بنابراین اعضای شورایی عالی کار باید در مذاکرات با توجه به مواد ۳۸، ۴۱، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۲۰۳ قانون کار ب فکر تعیین دستمزد شرافتمندانه باشند.

بدنه جامعه کارگری نیز باید قاطعانه از شورایی عالی کار جهت دستمزد شرافتمندانه ای را که معیشت روز او را تامین می کند مطالبه و حمایت نظری و عملی بکنند

حسین حبیبی

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار سراسر کشور

سایه افکننده واز کارگران و خانواده آنها قربانی می گیرد. در این چهار دهه کلیه دولتها که ضلعی از اضلاع حکمرانی کشور می باشند نمره مردودی دارند. چرا که گرانی و تورم در این کشور تاریخی و تولید خودشان می باشد، تعیین قیمت مواد غذایی، خودرو، مسکن و مصالح ساختمانی و هزینه های جانبی مانند برق، آب، گاز و تلفن و هزینه های سفر و سایر هزینه ها در انحصار دولتها بوده و می باشد، به همین دلیل گرانی و تورم نیز توسط دولتها و حکمرانی کشور رقم خورده و می خورد و بیرحمانه تازیا نه خود را بر جسم و روح و زندگی مردم بویژه کارگران می نوازند، گویا حاکمیت در ایران با گرانی و تورم به مردمی که او را انتخاب و حمایت کرده و می کنند مجازات کرده و می کنند. بنابراین اعضای شورایی عالی کار بویژه نمایندگان کارگری آن ضمن آنکه نباید به دولت گران فروش که با گرانی مردم بویژه کارگران را تحریم کرده و می کنند و به اطلاعات و داده های او در مرکز آمار و سازمان غذا و دارو و سایر مراکز دولتی که آمار و داده ها را به نفع دولت تغییر داده و می دهند اعتماد و اطمینان بکنند. بلکه باید در مذاکرات بارویکرد صرف منافع و مصالح کارگران نه دولت و کارفرمایان



گرانی کالا و خدمات و تورم افسارگسیخته همچنان بدون آنکه زحمت یا مانعی مقابل خود ببیند می تازد و وجودشومش بر مردم بویژه کارگران

## پرسش و پاسخ کارگرانه (۸)

### دانستن حق مسلم کارگران می باشد

اراده طرفین ( کارگر و کارفرما) باشد، ماده ۱۵ قانون کارو تبصره ۲ ماده ۲ قانون بیمه بیکاری حاکم بوده و کارگران می توانند در اختیار بیمه بیکاری قرار بگیرند که جزء سوابق کارعادی و سخت زیان آور آنان نیز محسوب می شود. نکته حائز اهمیت: دولتها نیز مکلف می باشند در حمایت از صنعت و تولید نسبت به پرداخت هزینه های ناشی از تعطیلی آلودگی و سردی هوا اقدام نماید. حسین حبیبی عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار سراسر کشور

حضور در روزهای آلودگی هوا و سردی هوا سرکار از مبلغ اضافه کاری آن روزها برخوردار شوند. در صورتی که کارگران در روزهایی که به مانند کارکنان دولت نباید سرکار حضور یابند و از دریافت مبلغ اضافه کاری نیز محروم شوند مصداق بارز بهره کشی و استثمار کارگران توسط دولتها و کارفرمایان بخش خصوصی تلقی می گردد و قابل پیگیری از مراجع حل اختلاف و مراجع قضایی نیز می باشد. همچنین در صورتیکه تعطیلی کارگاه به مدت طولانی خارج از

دوم، اصول ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ (حقوق ملت)، اصل ۶۷ سوگند، اصل ۸۴ مسئول بودن مجلس در برابر تمام ملت) اصل ۱۲۱ ( سوگند رئیس جمهور)، و از آنجائیکه دولت، مجلس نماینده ملت ایران بوده و قوه قضائیه نیز وفق اصل ۱۵۶ پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن عدالت می باشد. کارگران بخش خصوصی نیز به مانند کارکنان بخش دولتی حق دارند از تعطیلات آرزو برخوردار شده یا اینکه بابت

دولتها نمایندگان کلیه مردم می باشند و تقسیم بندی مردم به بخش خصوصی و دولتی رافع مسئولیت دولتها در قبال کل جامعه نمی باشد همانطور که دولتها و حکمرانی کشور در صورت نیاز ملی مانند انتخابات به حضور و مشارکت مردم بطور عام دارند می بایست نسبت به خدمت رسانی به عموم جامعه اقدام نمایند. بنابراین وفق اصولی از قانون اساسی بشرح ذیل تبعیض بین کارکنان بخش خصوصی و دولتی ممنوع می باشد. بند ۶ اصل دوم، بند ۹ و ۱۲ اصل

مانند کارکنان دولت حق برخورداری از تعطیلات روزهایی که هوای آلوده یا اینکه هوا بیش از حد سرد و یخبندان است را دارا می باشند و چنانچه حضور آنها جهت کار در روزهای تعطیل لازم باشد، باید نسبت به زمانی که سرکار حضور پیدا می کنند مبلغ اضافه کاری آن روز را دریافت نمایند. پرسش ۲: می گویند دولت نمی تواند بخش خصوصی را وادار کند روزهای آلوده و سرد و یخبندان کار را تعطیل کند. پاسخ ۲: بهیچوجه درست نیست

پرسش ۱: چرا کارگران بخش خصوصی و صنعت از تعطیلات آلودگی هوا یا سرما برخوردار نمی شوند، چرا تبعیض تا این حد بین کارکنان دولت و کارگران وجود دارد مگر همه انسان و ایرانی نیستیم؟ پاسخ ۱: حکمرانی کشور در قبال یک یک مردم مسئولیت داشته و ضمن پاسخگویی باید نسبت به تامین حقوق یک یک مردم اقدام نماید تبعیض تحت هر عنوان شکلی ممنوع می باشد. کارگران بخش صنعت و خصوصی



## برگزاری تورهای سیاحتی و زیارتی رسالت اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



## جلسه هم‌اندیشی کانون‌های بازنشستگان سراسر کشور با مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی



## دولت بدهی خود را به سازمان تأمین اجتماعی حتماً پرداخت کند

سازمان با مراکز طرف قرارداد از سوی این مراکز با بیمه شده‌ها با بی احترامی برخورد می‌شود.

**کسی که قانون را اجرا نکند فعل حرام مرتکب شده است و مغرض است:**

در جلسه ای که با رئیس مجلس داشتیم ایشان محکم دفاع کرد و گفت باید قانون اجرا شود و این ۱۳۰ همت پرداخت شود. و دستور دادند که کمیسیون اجتماعی مجلس اینکار را پیگیری کند ولی متأسفانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی زیر بار نمی رود و قانون را اجرا نمی‌کند. به نظر من کسی که قانون را اجرا نکند چون قانون را مجلس تصویب کرده و شورای نگهبان آنرا تایید کرده مغرض است و یا مقصر و یا هر دو، باعث تخریب می‌شود. آیا اینها با عدم اجرای قانون می‌خواهند مردم را به خیابان بکشند.

**بر اساس قانون اساسی درمان رایگان حق مردم است:**

درمان در هاله ای از ابهام قرار دارد، وظیفه دولت و سازمان تأمین اجتماعی است که بر اساس قانون اساسی و قانون الزام رایگان، درمان را رایگان کنند. حق بیمه‌هایی را که بابت بیمه تکمیلی از ما کسر کرده اند به شرکت بیمه آتیه سازمان نداده اند و این باعث می‌شود که شرکت آتیه سازمان به تعهدش عمل نکند تبعات منفی اینچنین مسائل به دولت و سازمان تأمین اجتماعی و تشکلات کارگری و بازنشستگی بر نمی‌گردد بلکه به اصل نظام برمی‌گردد و مردم نسبت به اصل نظام بدبین می‌شوند و از آن روی برمی‌گردانند. ما امیدواریم که صدای حق طلبانه ما را رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی بشنود. ما رای دادیم تا عدالت جاری و ساری شود و تقسیم عادلانه ثروت صورت پذیرد و فاصله فقر و غنا کوتاه شود و بر اساس تعالیم قرآن و نهج البلاغه به وضعیت فقرا و مستضعفین رسیدگی شود آنچه که امروز مسئولین ما در مورد فقرا انجام می‌دهند ۱۰٪ آنچه که رهبر کبیر انقلاب آنرا سفارش کرده بود، نیست. امیدوارم که مسئولین ذی‌صلاح صدای ما را بشنوند و از هر منبعی که می‌توانند بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی را پرداخت کنند و موجب آرامش جامعه کارگری را فراهم آورند.

اگر ترمیم دستمزدها بر اساس سبد هزینه خانوار مشکل است پیشنهاد می‌شود که بصورت کمک‌های غیر نقدی و در قالب بن کارگری و بازنشستگی اقدام به ترمیم معیشت و تقویت قدرت خرید کارگران و بازنشستگان کنید. آقای دکتر سالاری که سردار و پیش رو متناسب سازی حقوق بازنشستگان می باشد و علی رغم تمام کارشکنی‌ها، کم لطفی‌ها و بی وفایی‌ها که در حقش روا داشتند آن را اجرا کرد. با وجود اینکه بر اساس قانون به حداقل بگیرها تعلق نمی‌گرفت ولی او با کمک سران قوا سبب شد که حداقل بگیرها هم معادل ۱۰٪ حقوقشان بهر مند شوند، حلاوت و شیرینی کار در این است که مابه التفاوت آن بصورت یکجا پرداخت شود.

**دولت ۱۳۰ همتی را که قانوناً پرداخت آنرا ظرف سال جاری به سازمان تأمین اجتماعی تعهد کرده، حتماً پرداخت کند:**

با مساعدت مجلس به ویژه کمیسیون اجتماعی مجلس مصوب گردید که مبلغ ۱۳۰ همت برای رده‌بند دولت به سازمان تأمین اجتماعی و اجرای متناسب سازی پرداخت شود. این پول از منابع دولت نیست پولی است که بیمه شده‌ها بازنشسته‌ها آنرا به سازمان پرداخت کرده‌اند. ناترازی که در سازمان وجود دارد بخاطر این است که دولت بدهی خود را به سازمان پرداخت نمی‌کند. از ۱۳۰ همت مقرر شده فقط ۳۲ همت پرداخت شده است.

**۲۵ همتی که از طلب سازمان به وزارت بهداشت داده شده کاملاً غیر قانونی است:**

گفته شده که با چراغ سبز وزیر بهداشت ۲۵ همت از طلب سازمان تأمین اجتماعی بدون موافقت وزیر کار و مدیر عامل تأمین اجتماعی به وزارت بهداشت داده شده است، آقای وزیر کار و آقای دکتر سالاری موافقت خود را باین امر تکذیب کردند، اطمینان دارم که آقای دکتر سالاری از این امر مطلع نبوده است. چرا بدون هماهنگی این ۲۵ همت را به وزارت بهداشت داده اند وزارت بهداشت بابت ۲۷/۹ سهم درمان از سال ۵۴ تا سال ۶۷ مبلغ را گرفته ولی تا کنون هیچ بیانی ارائه نکرده است، الان باید مشخص شود که سازمان چقدر به وزارت بهداشت بدهکار است. به علت بدهی

و کانون عالی، سازمان تأمین اجتماعی و بانک رفاه، برای حل مشکل خود مراجعه می‌کنند شوربختانه به در بسته مواجه می‌شوند.

**عدم توازن بین دخل و خرج‌ها و عدم رعایت ماده ۴۱ قانون کار در خصوص تعیین حداقل دستمزد به رکود اقتصادی دامن می‌زند:**

به علت عدم هماهنگی در، دخل و خرج‌ها و وضعیت دشواری وجود دارد، در شرایطی که یک کارگر بازنشسته با کوهی از مشکلات و دنیایی از درد ورنج و در این زمان که تورم و رکود اقتصادی را با هم داریم زیر ۱۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد و هزینه‌ها و درآمدهای او اصلاً همخوانی ندارد. عدم توازن بین دخل و خرج‌ها خودش یکی از عوامل رکود اقتصادی است، کم لطفی‌ها و عدم اجرای ماده ۴۱ قانون کار و مواد ۹۶ و ۱۱۱ تأمین اجتماعی که باید با توجه به آنها حداقل حقوق کارگران که بیش از ۳۰ میلیون نفر می‌باشند بر اساس تورم و سبد هزینه خانوار تعیین شود. عدم اجرای این قانون خود نیز باعث رکود اقتصادی است چون قدرت خرید کارگران و بازنشستگان به شدت پایین آمده است.

**اکنون زمان آن فرا رسیده است که بر اساس درخواست بحق کارگران و بازنشستگان حداقل دستمزد بر اساس قانون تعیین شود:**

از وزیر محترم تعاون کار و رفاه اجتماعی استعفا داریم که قانون رعایت شود و به عنوان عضوی از دولت و نماینده رئیس جمهور به وعده‌های که رئیس جمهور در انتخابات داد عمل کند. رئیس جمهور قول داد که به قانون عمل کند و صدای اعتراض بحق کارگران را بشنود. عمل به ماده ۴۱ قانون کار و تعیین حداقل دستمزد بر اساس تورم اعلام شده از سوی مرجع رسمی کشور و با عنایت با سبد هزینه خانوار از خواسته‌های به حق ما می‌باشد. اکنون زمان آن فرا رسیده است که از هر دو تبصره ماده ۴۱ قانون کار برای تعیین دستمزد استفاده شود. و باید بر اساس هر دو شاخص ماده ۴۱ قانون کار (در نظر گرفتن تورم و سبد هزینه خانوار) حداقل دستمزد تعیین گردد.

**اگر در تعیین قانونی دستمزدها مشکل دارید برای حفظ قدرت خرید کارگران و بازنشستگان از کمک‌های غیر نقدی بهره ببرید:**



**نصرت‌الله دریا بیکسی نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان در یک نشست صمیمی و دوستانه با سید مجتبی قریشیان سردبیر نشریه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در دفتر کار خود در خانه کارگر قائمشهر به تشریح مشکلات جامعه کارگری و بازنشستگان پرداخت:**

**پیروزی انقلاب اسلامی و دهه فجر بر فجر آفرینان مبارک:**

در آستانه چهل و ششمین سالگرد انقلاب اسلامی قراردادیم، جا دارد که من این پیروزی را به ملت بزرگ ایران به ویژه کارگران و بازنشستگان عزیز که کارگران دیروز بوده‌اند و با اعتصابات خود شریان اقتصادی رژیم گذشته را قطع کرده‌اند و باعث پیروزی انقلاب شده‌اند، تبریک و تهنیت عرض کنم و برای شهدای انقلاب از درگاه خداوند بخشنده و مهربان علو درجات را خواستارم.

**بازنشستگان از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برند:**

جماعت سخت کوش کارگران دیروز که بازنشستگان امروز می‌باشند، همان‌ها که با ایثار و جانفشانی و فداکاری در جبهه‌های حق علیه باطل حماسه آفریدند، با بازنشست شدن امروز در بدترین شرایط ممکن از لحاظ معیشتی بسر می‌برند و بیشتر از ۸۵٪ این جماعت، با سیلی صورت خود را سرخ نگه می‌دارند، با توجه به کجولت سن انواع بیماری‌ها به سراغ آنها آمده است و مشکل جدی در، درمان دارند، مشکل بیکاری فرزندان، مشکل درمانده شدن برای پرداخت اجاره مسکن، مشکل جدی در تهیه ضروریات و امورات روزمره زندگی که الی ماشاء الله می‌باشد. اینها حتی برای برگزاری مراسم کفن و دفن اموات، مراسم ترحیم نیز مشکل دارند. و به هر جا مثل کانونهای بازنشستگان، خانه کارگر